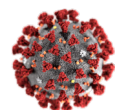




سخن سردبیر



ویروس کرونا و بحران جهانی



و اگر [این کتاب را] قرآنی غیر عربی گردانیده بودیم قطعاً می‌گفتند چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده کتابی غیر عربی و [مخاطب آن] عرب زبان هستند- بگو این [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمانی است و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوش‌هایشان سنگینی است و قرآن برایشان نامفهوم است و [گوی] آنان را از جایی دور ندا می‌دهند.

● **آیه ۸۲ سوره اسراء**
وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا
و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم و [الی] ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.

● **آیه ۶۹ سوره نحل**
ثُمَّ كَلِمَٰةٍ مِّنْ كُلِّ الْمَمَرَاتِ فَاسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذَلَّلًا يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَآ شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
سپس از همه میوه‌ها بخور و راه‌های پروردگارت را فرمانبردارانه بپوی [آنگاه] از درون [شکم] آن شهدی که به رنگ‌های گوناگون است بیرون می‌آید در آن برای مردم درمانی است راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه اقدرد الهی] است.

● **سوره مبارکه حشر**
در زبده الدعوات روایت کرده است که رسول خدا «صلی الله علیه وآله وسلم» به خانه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) آمد. امام حسن را بیمار یافت و این منظره بر آن حضرت خیلی گران آمد. جبرئیل نازل شد و گفت: یا محمد تعلیم کنم تو را دعایی که با آن فرزندت از ناخوشی خلاص گردد، پس خواند:

"اللهم لا اله الا انت العلی العظیم ذو السلطان القدیم و المن العظیم و الوجه الکریم."
"لا اله الا انت العلی العظیم ولی الکلمات التامات و الدعوات المستجابات خل ما اصبح."

پس حضرت این دعا را خواند و دست خود را بر پیشانی امام حسن (ع) گذاشت و شفا یافت.
لذا می‌توان گفت در آینده‌ای نزدیک بشر خواهد توانست که بیماری کرونا را با تکیه بر علم خود و توکل بر خداوند حکیم و هدایت ائمه اطهار و امام زمان درمان نموده و میلیون‌ها انسان نیز نجات پیدا خواهند کرد و از سوی دیگر بر تک‌تک ما فرض است که توصیه‌های بهداشتی و بهداشت فردی را جدی بگیریم و با همیاری و همدلی و همکاری با نهادهای بهداشتی راه را برای شیوع گسترده این بیماری منحوس ببندیم. این‌شاء‌الله

با تبریک و شادباش به مناسبت حلول بهار طبیعت و آغاز سال نو و آرزوی سلامتی برای همه هم‌میهنان عزیزمان و کادر درمانی کشور که در خط مقدم مبارزه با کرونا به صورت شبانه‌روزی در جهت سلامت جامعه تلاش می‌کنند. مدتی است که جهان و کشورمان درگیر بیماری کرونا ویروس شده است و این بیماری مسری تاکنون جان تعدادی از هموطنانمان را گرفته است و نیز شیوع این بیماری در دنیا آثار مخرب اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را برگرده دولتمردان جهان قرار داده است.

در طول دوران‌های مختلف تاریخی، بشر بیماری‌ها و بلایای مختلفی گریبان‌گیر انسان‌ها شده است که گذار از این مصائب برای انبای بشر کم هزینه نبوده است. اما آنچه در این بین مطرح است این است که بشر با تکیه بر علم خود توانسته بر این مشکلات فائق آید و این‌گونه مشکلات را یکی پس از دیگری از سر بگذراند و راه حل‌های مناسبی برای آن پیدا کند.

از دیگر سو در این‌گونه مشکلات بشر با تکیه بر علم خود و همچنین مددجویی از امداد‌های غیبی پروردگار راهکارهای سریع‌تری را می‌تواند بیابد. مثلاً در قرآن کریم آیات متفاوتی را داریم که به بشر پیشنهاد شده است که با قرائت این آیات و نیز توکل بر خداوند حکیم و دانا از این مشکلات و موانع و مصائب عبور کند. آیات و بینات قرآن کریم پیرامون شفای بیماری‌ها به شرح زیر است:

● **آیه ۵۷ سوره یونس**
يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِدَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ
ای مردم به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است.

● **آیه ۱۴ سوره توبه**
قَاتِلُوهُمْ يَعْذِبُهُمُ اللَّهُ بِأَبْدِيكُمْ وَيُخْرِجُهُمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ
ای مردم به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است.

● **آیه ۸۰ سوره شعرا**
وَإِذَا مَرَضَتْ فِتْهُ يَشْفِيهِمْ
و چون بیمار شوم او مرا درمان می‌بخشد.
● **آیه ۴۴ سوره فصلت**
وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَلْعَجَمِيُّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ
و اگر ما آن را به عربی بیان می‌کردیم و شما را بر ایشان پیروزی می‌بخشد و دل‌های گروه مؤمنان را خنک می‌گرداند.

● **آیه ۸۰ سوره شعرا**
وَإِذَا مَرَضَتْ فِتْهُ يَشْفِيهِمْ
و چون بیمار شوم او مرا درمان می‌بخشد.
● **آیه ۴۴ سوره فصلت**
وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَلْعَجَمِيُّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ
و اگر ما آن را به عربی بیان می‌کردیم و شما را بر ایشان پیروزی می‌بخشد و دل‌های گروه مؤمنان را خنک می‌گرداند.

معامله قرن و بازتاب آن در جهان اسلام

سید امیر سخاوین

الگوی برای عادی‌سازی روابط بین عربستان و اسرائیل به کار گرفته می‌شود و غایت آن نیز جذب نیروی کار ماهر فلسطینی در این مناطق و اعطاء تابعیت سعودی به آنان است.» (بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۳/۲۰)

اکنون پاسخ به این پرسش‌ها آسان است که معامله قرن چیست؟ و چرا قدرت‌های استکباری نمی‌خواهند آن را از طریق رفتارندوم در بین مردم فلسطینی تبار، به اجرا درآورند؟

چرا تلاش دارند که از طریق مذاکرات مخفی با برخی سران عرب یا برخی گروه‌های فلسطینی به نتایج مطلوب خود برسند؟

وقتی که در این نوع از پرسش‌ها و مواضع دقت می‌گردد، برای هر انسان عاقلی، روشن می‌شود که معامله قرن نه تنها در پی احقاق حقوق مردم فلسطین نیست، بلکه فراتر از آن، مردم مسلمان فلسطین را محدودتر نیز می‌نماید. برخی خبرها نیز حکایت از آن دارد که دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی در حال اجرای این طرح هستند و با انتقال سفارت‌خانه آمریکا از تل‌آویو به بیت المقدس، نخستین گام را در اجرای معامله قرن برداشته‌اند.

«به رغم اینکه ترامپ در زمینه معامله قرن چیزی را به صورت عمومی اعلام نمود، اما خطوط کلی این معامله در حال اجرا است!»

به عبارتی؛ پروژه نثوم که وی به دنبال اجرای آن در منطقه دریای بین سواحل شرقی مصر و اردن و عربستان سعودی است، با مشارکت رژیم صهیونیستی صورت می‌گیرد و به عنوان

دیدگاه امام رضا (ع)

درباره رهبری و مدیریت جامعه اسلامی

دکتر علی نوایی

امام رضا (ع) در سخنی والی مسلمین و مدیریت امت اسلامی را به ستون هیمه تشبیه نموده‌اند و در روایتی از ایشان چنین نقل است که: «اما عملت ان والی المسلمین مثل العمود فی الوسط الفسطاط ، من اراده اخذه» پی برد که همگان ملزم و موظف به ستون وسط خیمه است؟ که اولاً تمام بار ستون بر روی این ستون استوار است و فرامین ایشان هستند.

دبیر کل حزب حامیان مردم

مصاحبه نشریه پناه مردم با حسین عبدالخالقی

پیرامون انتخابات مجلس شورای اسلامی

صفحه ۲

عضو شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان و کارشناس ارشد مهندسی صنایع

مصاحبه نشریه پناه مردم با مهندس سالار احمدی

پیرامون انتخابات مجلس شورای اسلامی

صفحه ۲

فعال سیاسی و عضو دولت موقت

مصاحبه نشریه پناه مردم با مهندس ابوالفضل بازرگان

پیرامون مسائل انقلاب اسلامی

صفحه ۳ و ۴

جامعه‌شناس، نویسنده و پژوهشگر دینی

مقاله ویژه نشریه پناه مردم:

انقلاب برای رهایی یا اصلاح‌گری

صفحه ۶ و ۷

استاد علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تحلیل بافت سیاسی، اجتماعی و تخصصی نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ ادوار ششم تا دهم

صفحه ۴ و ۵

کرونا چگونه نظم جهانی را تغییر می‌دهد؟

صفحه ۹

تاب‌آوری اجتماعی

صفحه ۴

ارتباط مستقیم روحیه و رضایت شغلی

صفحه ۴

تحلیل روندشناسانه ناآرامی‌های گسترده در عراق

پژوهشکده مطالعات راهبردی



صفحه ۲

مصاحبه نشریه پناه مردم با

حسین عبدالخالقی، دبیر کل حزب

حامیان مردم پیرامون انتخابات مجلس

نظر شما در خصوص نقش و تأثیرگذاری

اصولگرایان در انتخابات چیست؟

انتخابات آزاد نشانه مردم‌سالاری است که می‌تواند آزادانه نظرات به شکل حقوقی عنوان کند و امروز که گروهی با تابلوی مشخصی در زیر یک چتر با نام و عنوان اجتماعی در عرصه‌های اجتماعی رقابتی حضور می‌یابند. هرکدام تلاش می‌کنند که خواسته و نظراتشان بوسیله حاکمیت در انتخابات و اعمال قدرت نمایی در بین دیگر گروه‌ها سعی در حاکمیت افرادتحت پوشش تشکیلاتی خود می‌کنند و امروز در جامعه کنونی‌مان تقریباً دو جناح سیاسی وجود دارندکه اخیراً هر کدام در مسیر اساسنامه و مرامنامه خود فعالیت کم‌رنگی دارند به عنوان مثال همه اصولگرایان را نمی‌توان اصولگرا دانست چرا که اردوگاه اصولگرایان بسیار گسترده شده است و نظرات متفاوت بوجود آمده و هماهنگی بین افراد بسیار مشکل است با توجه به همین موضوعات اصولگرایان بحمدالله بیشتر با هم اتحاد و انسجام خواهند داشت و خود را مطیع نظریات رهبری می‌دانند و به ارزش‌های انقلاب اسلامی پایبندند و نیز دغدغه حاکمیت دین را دارند.

والسلام.

ستیزگرانه با هویت و جامعه ایرانی ندارد. در تأیید این مدعا می‌توان به این نکته اشاره کرد که آئین بزرگ راه‌پیمایی اربعین حسینی در مهرماه امسال به شکلی بزرگتر از گذشته و با حضور بیش از سه میلیون زائر ایرانی در همان مناطق و در شهرهایی برگزار شد که محل اعتراضات بودند. برخلاف فضاسازی رسانه‌های وابسته به عربستان و امارات که در طول مدت برپایی تجمع‌های اعتراضی به زمینه‌سازی برای تحت الشعاع قراردادن مراسم اربعین و نفی پیوند ایران عراق مشغول بودند، در طول برگزاری مراسم اربعین، این پیوند استحکام و پایداری خود را نشان داد.



در عین حال، می‌بایست بر پذیرش واقعیت تحول در جامعه عراق، گذار نسلی، پیدایش گفتمان‌ها، نمادها و نهادهای جدید در عراق و تلاش برای برقراری تعامل و دیالوگ با آن با مشارکت نهادهای غیردولتی و مدنی همتای آن‌ها در ایران تأکید ورزید. به همین ترتیب، ایجاد زمینه گفتگو و تعامل میان فعالان این جنبش جدید با سرآمدان جامعه شیعی و کابینه عادل عبدالمهدی و کمک به این دولت برای پاسخ‌گویی به مطالبات آن‌ها می‌تواند علاوه بر استحکام نهادهای سیاسی و مدنی در عراق به ویژه جامعه شیعی، تقویت مناسبات آن‌ها با ایران را به همراه داشته باشد.

منبع: پژوهشکده مطالعات راهبردی



مصاحبه نشریه پناه مردم با سالار حمدی

عضو شورای مرکزی حزب ندای ایرانیان و کارشناس ارشد مهندسی صنایع

آینده نظام سیاسی را ایجاد می‌کند و با توجه به

نزدیکی انتخابات مجلس، حزب ندا در این‌باره

چه اقداماتی را به ثمر رسانده است؟

جامعه هدف ندا جوانان است و به همین دلیل هم اکثریت حزب را جوانان شکل داده‌اند البته ندا بر روی تخصص‌گرایی هم تأکید دارد. اگر ببینید کاندیداهای ما در تهران و سراسر کشور جوانان و متخصصانی هستند که حداقل چند سال کار تشکیلاتی را گذرانده و حتی دوره‌های تخصصی آموزشی حزب را نیز گذرانده‌اند. تلاش ندا تربیت کادر حزبی آموزش دیده و متخصص است که بتوانند با حضور در عرصه‌های مدیریتی کشور تحول ایجاد کنند.

ویژگی مجلس قوی و مقتدر از دیدگاه شما چیست؟

یک مسأله را باید یک‌بار و برای همیشه روی آن توافق کنیم که مجلس باید عصاره فضائل ملت و در راس امور باشد. متأسفانه مجلس دیگر آن مجلسی نیست که در مسائل مختلف ورود کند و نتیجه را به نفع مردم تغییر دهد. مثلاً می‌بینیم که مجلس در تحقیق و تفحص در شهرداری رای به عدم آن می‌دهد و یا هر روز می‌شنویم که فلان نماینده درگیر فساد شده است یا در فلان مسأله مجلس بی‌خبر بوده و تصمیم در یک شورای دیگر گرفته شده است. چند مسأله باید درست شود تا مجلس صدای مردم و پیگیر حقوق آنان باشد:

اول: باید شرایط برای حضور تمامی سلیقه‌ها در انتخابات فراهم شود.

دوم: اصلاح نظام انتخاباتی، نظام انتخاباتی ما باید به سمت حزبی شدن برود، این مهم را درک کنیم که اگر احزاب ما قوی باشند قطعاً افرادی را به جامعه معرفی می‌کنند که بتوانند از عملکرد آن‌ها دفاع کنند و در پشت نماینده‌های احزاب برنامه‌ای است که برنامه فرد نیست بلکه برنامه حزبی است که ماه‌ها روی آن کار کارشناسی انجام شده.

سوم: تخصص‌گرایی و ضد فساد بودن، دیو هفت سر فساد امروز اصلی‌ترین مسأله ایران است، باید نمایندگانی وارد مجلس بشوند که خط قرمزشان فساد باشد و در مقابل رانت یا فساد فلان شخص یا دستگاه لکنت زبان نگیرند.

پس مجلس قوی و کارآمد مجلسی است که در آن تمام سلیقه‌ها حضور داشته و متخصص و ضد فساد است.

انتخابات و دور کردن سایه تهدید از کشور در انتخابات مجلس نام نویسی کردند، متأسفانه شاهد بودیم که رد صلاحیت‌های گسترده در هیات‌های اجرایی و نظارت سبب شد که برای بیش از نیمی از کرسی‌های مجلس رقابتی وجود نداشته و یا رقابت فقط در بین کاندیداهای اصولگرا باشد همین مسأله سبب سرخوردگی شد که چرا وقتی کشور در شرایطی به این حساسی در عرصه داخلی و خارجی قرار دارد برخی نهادها اجازه نمی‌دهند حداقل وفای در داخل شکل بگیرد و با رد صلاحیت بخش عظیمی از یک جناح را دلسرد می‌کند؛ حقیقت این است که مسأله نرسیدن به لیست واحد علتی دارد که معلول آن توانایی شرکت در انتخابات است. البته این را هم ذکر کنم که با همه این شرایط موجود مثل رد صلاحیت و... اصلاح‌طلبان تسلیم نشدند و با جمع‌بندی کاندیداهای موجود لیست هم داده‌اند.

چرا حزب ندا برای این دوره از انتخابات مجلس لیست واحدی ندارد؟

در مورد حزب ندای ایرانیان باید عرض کنم جمع بندی شورای مرکزی حزب این بود که ارائه لیست انتخاباتی اختصاصی سبب سردرگمی مردم خواهد شد و البته دو لیستی که به مردم معرفی شده نیز اشتراکات فراوان دارد به همین منظور از ارائه لیست اختصاصی در شهر تهران خودداری کردیم، البته کاندیداهای حزب ندای ایرانیان در شهرستان‌ها حضور دارند که لیست آن به مردم معرفی شده است.

همانطور که می‌دانیم یکی از کارکردهای احزاب این است که نیازهای بنیادین لایه‌های اجتماع را منعکس کنند. با توجه به این امر جایگاه حزب ندا در این حوزه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همواره تأکید کرده‌ایم که ندای ایرانیان صرفاً حزبی نیست که دغدغه‌اش تنها مسائل سیاسی باشد، بلکه ندا حزبی‌ست اجتماعی؛ این را می‌توانید از موضع‌گیری‌های حزب بیشتر لمس کنید. نداشتن‌ها خط قرمزش مردم و منافع ملی‌ست به همین منظور هم اگر نگاهی به موضع‌گیری‌های حزب از ابتدا تا کنون ببیندازید می‌بینید که ندا در مورد مسائل روز مردم نه تنها ساکت نبوده، بلکه حضوری فعال هم داشته مثل موضع بنزین، تغییر اقلیم، حوادث آبان ماه و...

با توجه به اینکه احزاب بستر تعلیم و رشد افراد سیاسی و تشکیلاتی و تحلیل‌گر برای مدیریت کلان کشور را فراهم می‌کند و در واقع

در خصوص نسبت این جنبش اجتماعی با منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران و به عنوان بایسته و پیش‌نیاز سیاست‌گذاری در این حوزه می‌توان گفت

تأثیر حضور اصلاح‌طلبان از بعد روابط بین الملل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ببینید امروز کشور مادر وضعیت تحریم همه‌جانبه قرار دارد از یک سو ترامپ با فشار حداکثری سعی در از پای درآوردن اقتصاد ایران داشته و از سوی دیگر ناکارآمدی در مدیریت اقتصادی کشور وضعیت معیشتی را برای مردم به شدت سخت و طاقت‌فرسا کرده و مردم هر روز شاهد کوچک‌تر شدن سفره‌هایشان هستند پس شایسته است شرایط حضور برای تمامی دیدگاه‌ها در داخل برای نقش آفرینی در مدیریت درست کشور آماده شود تا شاهد مدیریت درست بر کشور بشویم، شک نکنید عدم حضور اصلاح طلبان در انتخابات کشور را از ظرفیت عظیم متخصصانی که دیدگاه‌های تحول خواهانه دارند و می‌توانند غمی از آلام گسترده مردم کم کنند به کشور آسیب می‌رساند پس حضور در پای صندوق آرا سبب تقویت جایگاه کشور در عرصه بین‌الملل خواهد شد.

از دیدگاه شما افراد شایسته اصلاح طلب برای نمایندگی مجلس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟

متأسفانه در معرفی چهره‌های جدید، متخصص و کارآمد دچار نقصان هستیم؛ یعنی یا نتوانستیم و یا نخواستیم با فرصت دادن به جوانان ایده‌های نو حاکمیتی به وجود آورده و اجازه دهیم جوانانی که از یک سو دارای تخصص بوده و از سوی دیگر هنوز درگیر مار هفت سر فساد نشده اند در کرسی‌های مدیریتی قرار بگیرند، شک نکنید اگر به جوانان اعتماد کنیم و اجازه دهیم تخصص گرایی جای رانت خواری، فامیل بازی و ژن خوب را بگیرد می‌توانیم از این گذرگاه تاریخی نیز عبور کنیم؛ پس اول از همه کاندیداهای ما باید متخصص باشند و سپس باید از چهره‌های تکراری که امتحان خود را پس داده‌اند عبور کنیم و به سمت جوانان تازه نفس برویم و البته از همه مهم‌تر باید به سراغ کسانی برویم که خط قرمزشان فساد است؛ مجلس ایده‌آل مجلسی است که نمایندگانش جوان، متخصص و ضد فساد باشند.

به نظر شما چه عواملی باعث شد که بین اصلاح طلبان اتحادی برای معرفی لیست کاندیداهای اصلاح طلب برای این دوره از انتخابات مجلس نباشد؟

برای پاسخ به این سوال باید کمی عقب‌تر برگردیم یعنی زمانی که اصلاح طلبان با تمامی قوا وارد کارزار انتخابات شدند و همگی برای پرشور کردن صحنه

رسمیت شناختن این جنبش و مطالبات متعاقب آن و پرهیز از نگرش توطئه‌نگر، ابزاری و یا تلقی آن به مثابه پدیده‌ای گذرا و موسمی است.

تحلیل روندشناسانه

ناآرامی‌های گسترده در عراق

پژوهشکده مطالعات راهبردی

از سال ۲۰۰۸ تاکنون، عراق همواره به صورت نوبه‌ای شاهد وقوع اعتراضات مردمی کوچک و بزرگی بوده است، اما ناآرامی‌های خونین مهر و آبان‌ماه ۱۳۹۸ را می‌بایست به جهات متعدد پدیده‌ای جدید دانست. اعتراضات سال‌های گذشته عموماً از سوی نخبگان و احزاب سیاسی هدایت و راهبری می‌شدند و هدف سهم‌خواهی از قدرت در آن‌ها برجستگی بیشتری داشت که طبعاً بر مطالبات محدود متمرکز بوده و جنبه ساختارشکن به خود نمی‌گرفت؛ اما آنچه در مهر و آبان امسال رخ داد، بیانگر شکل‌گیری پدیده‌ای است که بیشتر می‌بایست در قالب جنبش‌های نوین اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.



این پدیده مانند سایر جنبش‌های اجتماعی معاصر –که نمونه آن را در قیام‌های موسوم به عربی در منطقه طی سال‌های ۱۱-۲۰۱۰ شاهد بوده‌ایم- فاقد رهبری و سازمان‌دهی مشخص بوده و در قالب جامعه شبکه‌ای و با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی، بخش‌های مختلف جامعه –که ناراضی و سرخورده از وضعیت موجود بوده و ساخت موجود را برای حل مسائل و حتی بیان مطالبات خود کارآمد و مشروع نمی‌انگارند- را گرد هم آورده و روایت تازه‌ای از هویت عراقی (و نه دولت- ملت در عراق) ارائه کرده که با مقاومت در برابر جریان‌های مسلط و گفتمان قدرت، خود را به نمایش گذاشته و بازنمایی می‌کند.

شکل‌گیری این جنبش، بیانگر دل‌زدگی بخش محذوف جامعه از قواعد و ترتیبات صوری دموکراسی و اصلاحات دستوری و حزبی، پارلماناریسم و انتخابات نتوانسته امر سیاسی در جامعه به شدت متکثر و نفوذپذیر عراق را سامانی نو بخشد.

هم‌زمانی این اعتراضات با مقدمه‌چینی برگزاری آئین بزرگ راه‌پیمایی اربعین حسینی و فضاسازی رسانه‌های وابسته به عربستان سعودی، امارات و بحرین برای نفی پیوندهای ایران و عراق و تحت‌الشعاع قراردادن این آئین شیعی نیز دغدغه‌آفرین بود، اما در عمل برگزاری مطلوب این راه‌پیمایی، خط بطلانی بر چنین مدعایی کشیده و توانست این‌گونه فضاسازی‌ها را به حاشیه ببرد.

سرخوردگی از تنظیمات نظام طایفی، احزاب و رهبران سیاسی، عراق را مستعد رشد گونه‌ای از سیاست خیابانی کرده است. این امر نیاز به گفتگو برای ایجاد وفاق جمعی، ورای تمهیدات و ساختارهای ناکارآمد موجود را بیش از گذشته ضروری کرده و لاجرم می‌بایست طرحی نو در انداخت. نقطه آغازین، شناسایی و به



مصاحبه با

مهندس ابوالفضل بازرگان

فعال سیاسی و عضو دولت موقت

پیرامون مسائل انقلاب اسلامی

لطفاً مختصری از تاریخ انقلاب و نهایتاً تشکیل دولت موقت به عنوان عضوی از یاران انقلاب نقل بفرمایید؟

از زمانی که شاه با تشکیل حزب واحد «رستاخیز»، بر پاکردن انقلاب سفید (یا انقلاب شاه و مردم) و بستن فضای سیاسی ایران، عملاً حقوق بنیادین ملت را زیر پا گذاشت و امکانات فعالیت‌های آزاد، علنی و مسالمت‌آمیز سیاسی را سلب کرد، زمینه‌های بروز انقلاب به عنوان یک راهکار اضطراری و گریز ناپذیر (همانند یک عمل جراحی، که پس از بی نتیجه ماندن درمان‌های متعارف بر روی بیمار انجام می‌یابد)، پدیدار گشت. یکی از جرقه‌هایی که باعث شعله‌ور شدن انقلاب شد، درج نامه توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات درباره اسلام و روحانیت و همسویی آن با کمونیسم بود. با شهید شدن مردم در تظاهرات خیابانی و برپایی مراسم چهل‌م شهدا به صورت زنجیره‌ای، آتش انقلاب پیوسته شعله‌ورتر می‌شد.

تلاش دلسوزان ایران و اسلام برای قانع کردن شاه و نیروهای تحت فرمانش به دست برداشتن از استبداد و ستمگری و تن دادن به تغییرات ساختاری بدون خشونت نتیجه بخش نبود. تعویض پی در پی نخست‌وزیران نیز نتوانست جنبش انقلابی مردم به رهبری آیت‌الله‌خمينی را فرو نشاند، به گونه‌ای که حتی وقتی شاه صدای انقلاب مردم را شنید و قول تغییر و اصلاح را داد، بسیار دیر شده بود. تظاهرات شکوهمند روزهای تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ در تهران، مراسم نماز عید فطر در قیطریه، شهادت عده زیادی در میدان ژاله سابق و رویدادهای متعدد دیگر در تهران و شهرستان‌ها در درجه اول به فرار شاه از کشور و سپس اعلام بیطرفی ارتش و پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۵۷ منجر شد. البته، افزون بر مبارزات افتخار انگیز مردم، دیپلماسی انقلاب یعنی مذاکره چهره‌های سیاسی و دینی، از یک سو با نمایندگان سیاسی دولت آمریکا و از سوی دیگر با برخی از فرماندهان نظامی و امنیتی، با هدف قطع پشتیبانی آنان از رژیم

شاه و جلوگیری از خشونت و خون‌ریزی لجام گسیخته در تسریع پیروزی انقلاب نقش داشت. همان‌طور که می‌دانید، به علت حضور رهبر فقید انقلاب در خارج از کشور، مدیریت انقلاب در ایران بر عهده شورای انقلاب گذاشته شده بود. پس از بازگشت آیت‌الله‌خمينی به ایران، نخستین گام فوری انتخاب نخست وزیر و دولت موقت انقلاب بود. با توجه به جمع جهات، تنها یا برترین گزینه شادروان مهندس مهدی بازرگان تشخیص داده گردید و آن بزرگمرد در روز ۱۵ بهمن ۵۷ از سوی رهبر انقلاب به نخست‌وزیری منصوب شد. ایشان، در کوتاه‌ترین مدت ممکن، هیأت وزیران دولت موقت را تعیین و معرفی کرد که به تصویب شورای انقلاب و رهبر انقلاب رسید.

به نظر شما ابتدای انقلاب چه مسائلی وجود داشت که دولت انقلابی آن دوران درگیر آن بود؟

یکی از معتبرترین مراجع درباره مسایل ابتدای انقلاب کتاب «مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب از زبان مهندس بازرگان» است. چاپ دوم این کتاب در بهار سال ۱۳۶۲ انتشار یافت. در زیر، چکیده‌ای از متن گزارش دولت موقت به رهبر و شورای انقلاب (به تاریخ ۵۸/۲/۱۵، یعنی ۳ ماه پس از پیروزی انقلاب) را نقل می‌کنم.

(الف) ماموریت و برنامه دولت، طبق ابلاغ اولیه مورخ ۵۷/۱۱/۱۵

۱. ترتیب اداره مملکت
 ۲. انجام رفراendum
 ۳. تشکیل مجلس موسسان برای تصویب قانون اساسی نظام جدید
 ۴. انتخاب مجلس نمایندگان برای تعیین دولت قطعی جمهوری اسلامی
- در گزارش آمده بود که ماده ۲ در ۵۸/۱/۱۰ انجام یافته و مقدمات اجرای بند ۳ فراهم شده است. ضمناً، برای ماده ۱، سه مرحله زیر ذکر شده بود: مرحله اول- خلع ید از دولت غاصب و تصرف دولت مرحله دوم- به راه انداختن دولت و به گردش

در آوردن فعالیت‌های مملکت مرحله سوم- اداره دولت و جوابگویی به نیازها و پیش‌آمدها

در گزارش آمده بود که مرحله اول انجام یافته است، مرحله دوم در مدت کوتاهی آغاز گردیده است و به تدریج تعمیم خواهد یافت و «مرحله سوم، در عین اینکه دچار توقف و تعطیل نگردیده است، در عمل توأم با مسائل و مصائب فراوان می‌باشد، مسائل و مصائبی که از یک طرف حاصل میراث گذشته است و از طرف دیگر نتیجه مشکلات و توقعات فوق‌العاده، که در بند «ب» به آنها اشاره خواهد شد.»

ب- پدیده‌های اضافی و بعدی

۱. پدیده ضد انقلاب
۲. پدیده ضد دولت یا عوامل تضعیف دولت، به شرح زیر:
- ۱-۲- نارسایی‌ها در هیات دولت
- ۲-۲- انتظارات عجولانه و همه جانبه مردم و مقامات
- ۲-۳- فشارهای طاقت فرسا و خواسته‌های ناپجا
- ۲-۴- ضعف تبلیغات
- ۲-۵- حالت انتقام و آثار دادگاه‌های انقلاب
- ۲-۶- تعدد مدیریت و تفرقه مسئولیت

ج- تقاضا یا پیشنهادها

۱. برطرف کردن یا لااقل سبک کردن موانع و محظورات عمده
- ۱-۱- محدود کردن وظایف و دامنه عمل دادگاه انقلاب
- ۱-۲- اعلام عفو عمومی نسبت به کسانی که مرتکب جرم کبیره نشده‌اند و تعریف و تحدید جرم کبیره
- ۱-۳- دادگاه انقلاب به اتهام عناصر ضد انقلاب که حالت داشته و سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی را تهدید می‌کنند با تقاضای دولت جداً رسیدگی نماید و قاطعیت ابراز دارد.
- ۱-۴- رایعت استقلال قضائی دادگاه انقلاب
- ۱-۵- مانع حاکمیت و مسئولیت دولت نشود.
- ۱-۵- برحذر داشتن مقامات غیر رسمی و

غیرمسئول از هرگونه مزاحمت و دخالت در کار دولت و وادار ساختن آنها به همکاری و تقویت و تبعیت از دولت

۱-۶- تمرکز مسئولیت و مدیریت در دست مقامات سه گانه رسمی

۲. تقویت و تحرک بیشتر شورای انقلاب

۳. تجمع، وحدت و سرعت تصمیم‌گیری‌های مقامات مسئول

* * *

در همین کتاب، جزئیات موارد بالا و متن کامل بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها و سخنرانی‌های نخست وزیر آمده است.

به طور خلاصه، شاید مهم‌ترین مشکل دولت موقت تعدد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری بود که مانع اجرای برنامه‌های مورد تعهد دولت می‌شد. پس از تقدیم گزارش بالا، هیچ‌گاه مسائل و مشکلات به صورت ریشه‌ای حل نشد، به گونه‌ای که دست کم در یک نوبت دیگر، نخست وزیر کتباً درخواست کناره‌گیری کرد که مورد پذیرش قرار نگرفت و استعفانامه نهایی در ۱۵ آبان ۵۸ به رهبر فقید انقلاب تقدیم شد که با پذیرش آن، مسئولیت‌ها به دولت شورای انقلاب محول گردید.

نقش دولت موقت را در کاهش بحران‌های آن دوران نقل بفرمایید؟

همان گونه که مهندس بازرگان در نخستین سخنرانی پس از انتصاب به نخست‌وزیری در دانشگاه تهران گفت و در طول مدت ۹ ماه نخست‌وزیری، در پاسخ به اعتراضات تندروها نسبت به «انقلابی عمل نکردن دولت»، تکرار کرد، وظیفه اصلی دولت موقت اجرای درست ۴ ماموریت محول شده به آن بود که نیاز به برنامه‌ریزی، مطالعه، تهیه طرح‌های لازم و پیاده سازی طرح‌ها داشت و می‌بایستی با دقت، حوصله و کارشناسی و بدون اثرپذیری از فشارها، هیجانات و التهاب‌ها صورت می‌گرفت. به همین منظور، شورای تدوین طرح‌های انقلاب، به سرپرستی شادروان دکتر یدالله

سحابی، تشکیل شد که طرح برگزاری رفراendum، پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و چندین طرح دیگر را تهیه کرد. بدیهی است که اداره کشور و اجرای برنامه‌های یاد شده در شرایطی که بحران‌های ناشی از تغییر شدید شرایط داخلی و خارجی مانع پیشرفت مطلوب کارها می‌شد، بسیار دشوار بود و دولت حداکثر تلاش ممکن را برای کاهش بحران‌ها انجام می‌داد. برای آگاهی از جزئیات در این باره نیز می‌توان به بخش‌های گوناگون کتاب یاد شده در پاسخ ۱ مراجعه کرد. متأسفانه، تلاش‌ها نتیجه مطلوبی به دست نداد و تداوم و بعضاً تشدید مشکلات و مسائل ادامه خدمتگزاری را برای نخست‌وزیر و دولت موقت غیر ممکن ساخت.

به نظر شما فشار سیاسی باعث استیقای دولت موقت گردید یا اینکه هرج و مرج آن دوران بیشتر علت استیقا بود؟

مهم‌ترین عامل استعفای مهندس بازرگان و دولت موقت عدم رفع مشکلات و موانعی بود که در بالا به آنها اشاره شد. با آن که گلايه‌ها، اعتراضات و درخواست‌های نخست وزیر از همان ماه‌های اولیه آغاز شده بود و در ماه‌های بعد ادامه یافت، اوج کارشکنی در اجرای وظایف دولت با تسخیر سفارت آمریکا در تهران کلید خورد و شرایطی پدید آمد که ادامه کار دولت به هیچ وجه امکان‌پذیر نبود.

به نظر شما تا چه حدی آرمان‌های انقلاب تحقق یافته است؟

اگر اصلی‌ترین آرمان‌های انقلاب را، با توجه به شعارهای غالب در راهپیمایی‌ها و غیره «آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی» در نظر بگیریم، نظر بنده درباره میزان تحقق آنها به شرح زیر است. درباره آزادی: سطح و میزان آزادی‌های اساسی در دوره دولت موقت نسبتاً بالا بود و همه پرسى و انتخابات مجلس بررسی پیش‌نویس قانون اساسی (که بعداً به مجلس خبرگان قانون اساسی تغییر نام یافت) با آزادی و سلامت زیاد برگزار شد.



به نظر شما مهمترین گفتمان و آرمان دولت موقت چه بود؟

آرمان دولت موقت از آرمان‌های مردم در انقلاب ۵۷ یعنی آزادی، استقلال، حاکمیت ملت، عدالت (عدل علی علیه‌السلام) و تحقق ارزش‌های والای اسلامی جدا نبود.

به نظر شما چرا نهضت آزادی و در نتیجه دولت انقلابی در مقابل فشارها تحمل نکرد و براحتی استیفا را بر مقاومت بخاطر مردم ترجیح داد؟

همان‌گونه که در بالا گفته شد، دولت موقت همواره در برابر فشارها مقاومت و برای رفع مشکلات تلاش می‌کرد ولی میزان دخالت‌ها، کارشکنی‌ها و دشمنی‌ها به نقطه‌ای رسید که ادامه مقاومت عملاً غیرممکن شد و هرگونه اصرار بر ماندن بر سرکار (حتی اگر با آن موافقت می‌شد)، به علت آن که نمی‌توانست باعث اجرای برنامه‌ها شود، خلاف منافع ملی بود.

اثر پاره‌ای بی‌تدبیری‌ها و تندروی‌ها در سیاست خارجی، دشمنی‌های قابل پیشگیری نسبت به ایران تشدید شده و دولت ایران ناچار گردیده است که برای مقابله با دولت‌های اروپایی و آمریکا و متحدان آنها در منطقه و نقاط دیگر جهان، به سوی قدرت‌های رقیب آنان، یعنی چین و روسیه، متمایل شود و از بی طرفی و عدم تعهد فاصله بگیرد. استقلال اقتصادی نیز خدشه‌دار شده است.

بدون شک، اندیشه‌های روشنفکران دینی، بویژه شادروان دکتر شریعتی، در سوق دادن قشر تحصیل کرده و جوانان به سوی انقلاب موثر بود ولی توده مردم عمدتاً تحت تأثیر رهبران دینی، بویژه آیت‌الله خمینی، قرار داشتند. با شروع خیزش‌های مردمی، احزاب موجود، که یک دوره خفقان سیاسی را پشت سر گذاشته و سازماندهی درستی نداشتند، نمی‌توانستند جریان انقلاب را کنترل کنند و از مردم عقب می‌ماندند.

البته، سران و اعضای فعال احزاب ملی و ملی-اسلامی کوشش می‌کردند که از طریق گفت و گو با رهبر انقلاب و روحانیان مبارز از یک سو و حاکمان موجود و حامیان آنها از سوی دیگر، تا حد ممکن از تشنج و خونریزی جلوگیری و به منطقی‌تر کردن روند انقلاب کمک کنند.

پس از استعفای دولت موقت و قدرت گرفتن تندروها، تدریجاً موانعی در برخورداری مردم از آزادی‌های اساسی قانونی پدید آمد. از جمله، فعالیت آزاد احزاب باسابقه منوط به صدور پروانه فعالیت از سوی کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب شد. آزادی‌های مطبوعاتی، تشکیل تجمعات و غیره نیز کاهش یافت. با تفسیر شورای نگهبان قانون اساسی از ماده مربوط به نظارت شورا بر انتخابات، قدرت و دامنه انتخاب مردم برای تعیین نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، رئیس جمهوری و نمایندگان مجلس شورای اسلامی محدود شد. به طور خلاصه، آرمان آزادی خواهی، که از جنبش مشروطیت جزء مطالبات اصلی مردم بوده است، همچنان مورد مطالبه است.

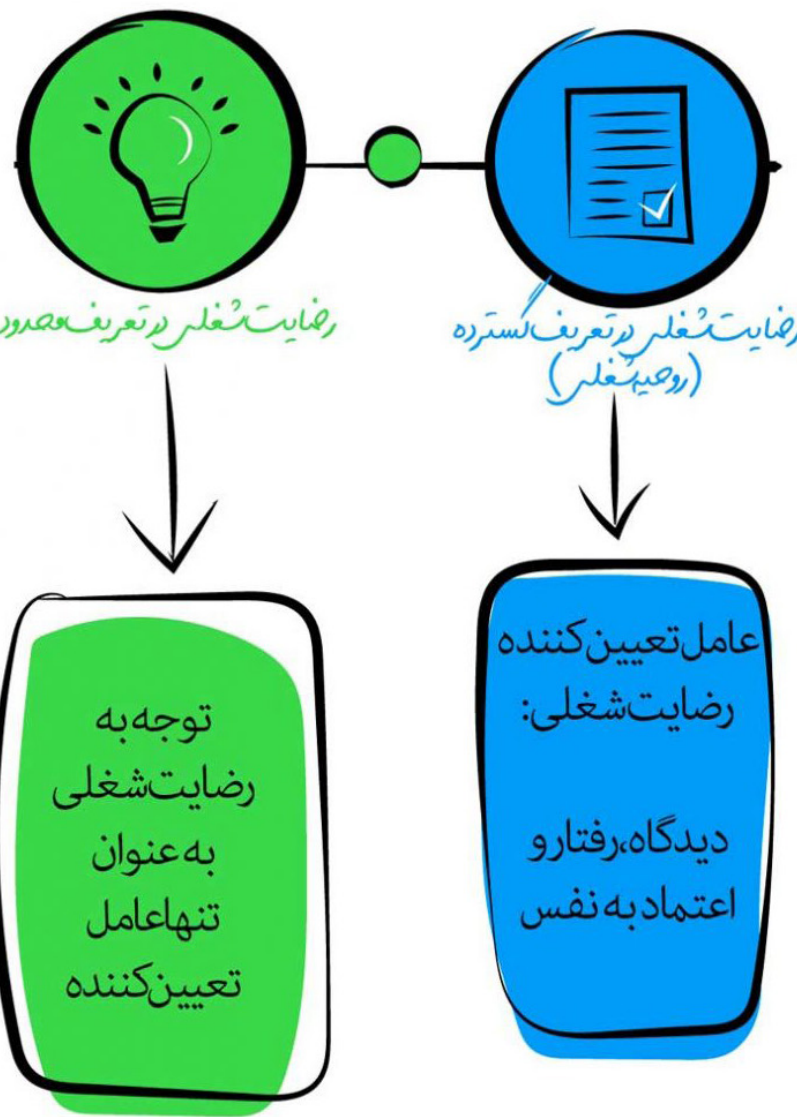


درباره استقلال: با پیروزی انقلاب، به تسلط قدرت‌های بزرگ بر شاه و دولت ایران در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها پایان داده شد و حاکمیت ملی شکل گرفت. ولی، بر اثر پاره‌ای بی‌تدبیری‌ها و تندروی‌ها در سیاست خارجی، دشمنی‌های قابل پیشگیری نسبت به ایران تشدید شده و دولت ایران ناچار گردیده است که برای مقابله با دولت‌های اروپایی و آمریکا و متحدان آنها در منطقه و نقاط دیگر جهان، به سوی قدرت‌های رقیب آنان، یعنی چین و روسیه، متمایل شود و از بی طرفی و عدم تعهد فاصله بگیرد. استقلال اقتصادی نیز خدشه‌دار شده است.

درباره جمهوری اسلامی: مفهوم کلیدی «جمهوری» حاکمیت ملت (دموکراسی یا مردم سالاری) است که در فصل‌های سوم و پنجم قانون اساسی (حقوق ملت) به آنها اشاره شده است. تعدادی از اصول این قانون مغفول مانده یا به درستی اجرا نشده است. پسوند «اسلامی» بدین معنا است که نظام سیاسی ایران و حکمرانی باید بر پایه موازین و ارزش‌های اسلامی استوار باشد. متأسفانه، به کارگیری یک قرائت تنگ‌نظرانه از اسلام از سوی حاکمیت باعث بروز نارضایتی و رویگردانی بخش بزرگی از جامعه از دین و نیز گسترش فساد و ناهنجاری‌های ویران کننده شده است.

ارتباط مستقیم روحیه و رضایت شغلی

دکتر علی نوائی



۱- اندازه‌گیری فیزیکی:

که میزان تولید هر فرد در ساعت میزان به کار گماردن و برکناری کارمند حدود غیبت کارمند می‌توان اشاره کرد.

۲- اندازه‌گیری عاطفی:

در نوع دیگر اندازه‌گیری کوشش می‌شود که از عواطف رفتار کارمندان نسبت به سازمان از طریق استفسار و مطلع شدن از عقاید آنان آگاهی کسب کرد.

احساسات و عواطف رفتارهایی است که از هیجان نشات می‌گیرد. با این حال رضایت از ارزش مادی شغل و حقوق کنونی و آینده آن و همچنین ترقی و کسب موقعیت‌های بهتر در روحیه کارمندان بسیار موثر خواهد بود. منزلت و اعتباری که شغل به کارمند می‌دهد در روحیه و اتکا به نفس شخص موثر خواهد بود.

توجه سرپرستان و مدیران ارشد به کارکنانشان و انتقال تجربه از افراد با سابقه باعث یادگیری کارکنان زیردست شده و اعتماد به نفس مطلوبی در فرد ایجاد می‌کند و به وی القا می‌شود که می‌تواند فرد مفیدی برای سازمان محل خدمتش باشد.

روحیه تعاریف متفاوتی دارد که اگر بخواهیم به تعاریف متفاوتی که از روحیه عنوان شده بپردازیم، می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

۱. درجه رضایتی است که کارمند از ارضای نیازمندی‌های خود بوسیله شغلش به دست می‌آورد. ۲. روحیه رضایت حاصل از تمایل و علاقه به کوشش و مجاهدت در راه رسیدن به هدف‌های خاص گروه است.

۳. روحیه مستلزم انگیزش در جهت هدف‌ها و اطمینان به حصول منظوره‌های گروه و حالت آسایش و رفاهی است که کار موثر و امید بخش را میسر می‌سازد.

با توجه به تعاریف بالا از روحیه و رسیدن به دیدگاه‌های متفاوت از آن گرچه خودداری از بحث درباره اجزای تشکیل دهنده آن مطلوب به نظر می‌رسد از میان عوامل ترکیب کننده آن چندین عامل قابل اندازه‌گیری است که به دو مورد از آن می‌پردازیم و لاقال این عوامل را به ۲ دسته وسیع می‌توان تقسیم کرد:

تحلیل بافت سیاسی، اجتماعی و تخصصی نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ ادوار ششم تا دهم

پیشی فوزی؛ استاد علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

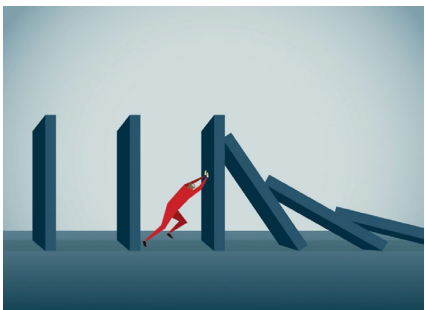
علی زارعی؛ دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشگاه امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی

شورای اسلامی طی ادوار ششم تا دهم چگونه بوده است؟ بنابراین در ابتدا به بررسی ویژگی‌های مجالس ششم تا دهم و آرایش سیاسی نیروها در این مجالس می‌پردازیم و سپس به تحلیل وضعیت نمایندگان مذکور از لحاظ سن، جنسیت، تجربه، سابقه‌ی نمایندگی و تخصص، سطح تحصیلات و پایگاه اجتماعی و اقتصادی می‌پردازیم. نتایج این پژوهش می‌تواند زمینه‌آشنایی با بخش مهمی از نخبگان سیاسی ایران را فراهم کند و به فهم دقیق‌تری از چرائی روندها و تصمیمات سیاسی در ایران کمک کند.

ادامه در صفحه ۵

تاب‌آوری اجتماعی

تاب‌آوری اجتماعی، ظرفیت یک جامعه یا اجتماع برای مقابله و انطباق با اختلالات و تغییرات است.



تاب‌آوری اجتماعی به مشخصات اجتماعی یک جامعه از جمله سن، جنس، معلولیت، وضعیت اجتماعی و اقتصادی پرداخته و بحث سرمایه اجتماعی را مطرح می‌کند. تاب‌آوری به طور سنتی تحت تأثیر مطالعات مرتبط با نظام‌های طبیعی و مهندسی تعریف شده و تأکید کافی بر اقتدار افزایی و عاملیت انسانی یا دلالت ضمنی بر آسیب‌پذیری مرتبط با قدرت ندارد.

یک گروه و جمعیت ممکن است نسبت به گروه و جمعیت دیگر تاب‌آور شود. تاب‌آوری یک نظام ممکن است برحسب موازنه‌ها و عدم تقارن بین گروه‌های مختلف و افراد درون آن نظام ارزیابی شود. در رویکرد توسعه انسانی نسبت به تاب‌آوری، مردم و کنش متقابل آن‌ها، قدرت و موقعیت اجتماعی نیز عوامل مهمی هستند که بر آنها تمرکز می‌شود.



تاب‌آوری در هر دوسطح فرد و جامعه برحسب قابلیت‌های فردی و توانایی‌های اجتماعی پدید می‌آید. تاب‌آوری همچنین نظام‌ها را به شناخت بیشتر و تعامل مولفه‌ها و حلقه‌های بازخورد تشویق می‌کند. بنابراین توجه به منطق ساختی و درونی نظام‌ها اهمیت دارد، به خصوص با توجه به اینکه برخی نظام‌ها ممکن است خودشان منبع آسیب‌پذیری باشند. این مسئله می‌تواند به شناخت آنچه هنگام تعامل مؤلفه‌های مختلف درون نظام رخ می‌دهد و چگونگی این تعامل، که می‌تواند نتایج ناخواسته و یا غیرقابل پیش‌بینی داشته باشد کمک کند.

ارسالی از طرف مخاطبین نشریه

به مناسبت ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) و روز مادر

یادمان باشد که دیگر کسی نیست روز زن را به همسران شهدا تبریک بگوید!

خانم روزت مبارک. ما امنیت‌مان را مدیون زنانی هستیم که تنهایی را با غم بی‌کسی، تحمل می‌کنند...

جز شرمساری حرفی ندارم که تقدیم کنم به همه مادران و همسران و فرزندان شهدا که بودن و آرامشان را مدیونشان هستیم.

تبریک را از جانب ما بپذیرید، این کمترین کار است و بضاعت ما اندک...

مادران و همسران شهدا روزتون مبارک

میلاذ حضرت زهرا (سلام الله علیها) و روز مادر و زن مبارک

خواب دیدم

بهار در کوچه‌های شهر می‌رقصد

یاس در آغوش پیچک

زمزمه‌های عاشقانه می‌خواند

بید با گیسوان پریشانش

دل و دین می‌برد از باد بی سر و سامان

ماهی سرخ با گریه‌ی چموش

سختن‌ها می‌گفتند به رمز و نیاز

و من در لباسی به رنگ‌خیال

شور و غوغا به پا کرده‌ام

در جشن میلاد شمع‌دانی‌ها

به یقین دانستم

مادرم باز از باغ سبز بهشت

بی‌قرار سرک کشیده به خانه‌ی ما

تحلیل بافت سیاسی، اجتماعی و تخصصی نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ ادوار ششم تا دهم



در این انتخابات ائتلاف اصلاح طلبان با کسب حدود ۱۸۴ کرسی مجلس توانستند به پیروزی قاطع دست یابند (ویکی پدیا، انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۹-۱۳۷۸) و در مجموع با ائتلاف نیروهای همسو در فراکسیون جبهه دوم خرداد بیش از ۷۰ درصد کرسی‌های مجلس را تصاحب کنند (اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۳۷۱ - ۳۷۰ ؛ ر. ک. به: حاضری، ۱۳۸۷: ۲۰۶؛ غظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۲۰۶، ۲۱۶)

در این مجلس مهدی کروبی از مجمع روحانیون مبارز به عنوان رئیس، بهزاد نبوی از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، نایب رئیس اول و سید محمدرضا خاتمی از جبهه مشارکت، نایب رئیس دوم گردیدند. اما در سال دوم انتخابات، بهزاد نبوی کناره‌گیری نمود و جای خود را به خاتمی داد و محسن آرمین از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، نایب دوم رئیس شد.

۲-۲. دوره هفتم مجلس شورای اسلامی
انتخابات مجلس هفتم در تاریخ اول اسفند ۱۳۸۲ در شرایطی برگزار شد که مجلس ششم در التهاب ناشی از تحسن و استعفا، روزهای پایانی خود را می‌گذراند و احزاب و گروه‌های اصلی جبهه دوم خرداد از جمله حزب مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به دلیل آنچه رد صلاحیت گسترده می‌خوانند از شرکت در انتخابات و ارائه لیست خودداری کردند و آن را تحریم نمودند (نظری، ۱۳۹۵: ۲۱۴؛ ر. ک. به: اژدری، ۱۳۹۴: ۱۵۰-۲۵۰). البته تعداد داوطلبان نمایندگی این دوره از انتخابات نیز نسبت به دوره‌های قبل از ازدحام بیشتری برخوردار بود و رد صلاحیت بیشتر نسبت به دوره‌های قبل را طبیعی می‌نمود. شواری نگهبان از میان بیش از هشت هزار نفر داوطلب نمایندگی مجلس، صلاحیت ۵۶۲۵ نفر را تأیید کرد (روزنامه ایران، ۸۲/۱۱/۳۰). البته حدود هزار نفر از اصلاح طلبان به منظور به چالش کشیدن انتخابات، پس از تأیید صلاحیت انصراف دادند و نهایتاً ۴۶۷۹ نفر نامزد انتخاباتی بودند که برای کسب ۲۹۰ کرسی مجلس به رقابت پرداختند (روزنامه همشهری، ۸۲/۱۲/۹).

ادامه دارد...

فوق‌الذکر برگزار شد. اما نکته قابل توجه در این انتخابات آن بود که پس از اعلام نتایج از سوی وزارت کشور در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۷۸، شورای نگهبان به روند انتخابات اعتراض نمود و خبر از تخلفات گسترده انتخاباتی داد.

آیت الله جنتی دبیر شورای نگهبان در پی موانع و مشکلات به وجود آمده در بررسی صندوق‌های رأی‌گیری حوزه انتخابیه تهران طی نامه‌ای از مقام معظم رهبری برای حل این مسئله خواستار راهنمایی شد (ر. ک: روزنامه کیهان، ۱۳۷۹/۲/۳۰).

مقام معظم رهبری نیز در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۹ در پاسخ به این نامه اعلام نمودند که صندوق هایی که مخدوش بودن آن از نظر شورای نگهبان به اثبات رسیده است و با معیارهای شورای نگهبان قابل تأیید نیست، باید ابطال گردد» و با توجه به مدت زمان طولانی مورد نیاز برای بررسی مابقی صندوق‌ها و عدم مصلحت، نیازی به بازشماری صندوق‌های دیگر نیست (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری).

نهایتاً پس از بازشماری آراء ۲۸ نفر در مرحله اول به عنوان نمایندگان مردم تهران به مجلس ششم راه یافتند و تغییراتی در اسامی منتخبین ایجاد شد؛ به طور مثال اکبر هاشمی رفسنجانی از رتبه سی‌ام به رتبه بیستم ارتقاء یافت و غلامعلی حدادعادل نفر اول جناح راست که در شمارش آرا تهران نفر سی و سوم شده بود در بازشماری با ارتقای ۵ رتبه‌ای، نفر ۲۸ تهران شد و به مجلس راه یافت و با سایر نماینده‌های اصولگرایی که در این دوره رأی آورده بودند فراکسیون اقلیت مجلس را تشکیل دادند. همچنین علیرضا رجایی تنها نامزد تأیید صلاحیت شده ملی - مذهبی که در رتبه ۲۸ قرار داشت به رتبه ۳۶ نازل یافت و از حضور در مجلس بازماند (نظری، ۱۳۹۵: ۱۷۷).

پس از اعلام نتایج انتخابات، اکبر هاشمی رفسنجانی که با هجده‌های تخریبی اصلاح طلبان افراطی مواجه شده بود و با توجه به تخلفات گسترده انتخاباتی و ابهاماتی که در این خصوص وجود داشت، از نمایندگی مجلس ششم انصراف داد (ر. ک. به: اژدری، ۱۳۹۴: ۹۱-۹۳). بدین سان

از دو طیف دانشجویان مسلمانان پیرو خط امامی که از مواضع و اعمال سابق خود از جمله تسخیر سفارت آمریکا پشیمان شده بودند و نو اندیشان دینی که قرائت‌های انسانگرایانه و مشارکت جویانه از اسلام سیاسی داشتند و اندیشه‌هایشان به لیبرال دموکراسی غربی متمایل بود، تشکیل شد (اژدری، ۱۳۹۶: ۷۹؛ ر. ک. به: دارابی، ۱۳۸۸: ۳۶۹-۳۹۲). حزب مشارکت در مدت کوتاهی در سراسر کشور عضوگیری کرد و در بسیاری از شهرستان‌ها دفتر خود را دایر ساخت. این حزب با شعار «ایران برای همه ایرانیان» وارد عرصه انتخابات شد و خود را نماد مخالفت با وضع موجود معرفی کرد (اژدری، ۱۳۹۶: ۸۰). فعالیت‌های گسترده این حزب که از حمایت‌های دولتی نیز بهره می‌برد نقش بسزایی در نتایج انتخابات و پیروزی اصلاح طلبان در دوره اول شوراهای شهر و روستا و مجلس دوره ششم داشت.

در خصوص صف‌بندی جناح‌ها و گروه‌های سیاسی فعال در این انتخابات بایستی گفت در یکسو، هواداران برنامه اصلاحات ارائه شده توسط رئیس‌جمهور و در سوی دیگر، منتقدین آنها قرار داشتند. اصلاح طلبان طیف وسیعی از نیروهای مختلف چپ و میانه رو را شامل می‌شدند که از جمله آنها می‌توان به مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، کارگزاران سازندگی، جبهه مشارکت ایران اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، انجمن اسلامی دانشجویی و برخی گروه‌های دیگر که خود را گروه‌های دوم خردادی می‌نامیدند، اشاره کرد. همچنین در این انتخابات برخی جریانات ملی - مذهبی نیز به حمایت از جبهه دوم خرداد پرداختند. در مقابل این جریان، طیفی از منتقدان برنامه‌های دولت شامل جامعه روحانیت مبارز، جمعیت مؤتلفه و گروه‌های همسو با آنان قرار داشتند (غظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۲۰۵-۲۰۹).

در بررسی صلاحیت نمایندگان در این دوره، شورای نگهبان بر خلاف انتظار، صلاحیت اکثر کاندیداهای نیروهای اصلاح طلب درون نظام را مورد تأیید قرار داد که باعث فعال شدن رقابت انتخاباتی بین طرفداران اصلاحات و منتقدین آنها شد (غظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۲۰۹).

در این مقطع رقابت‌های انتخاباتی بین اصلاح طلبان، محافظه کاران و تکنوکرات‌ها بر سر نمایندگی مجلس ششم با سرعت جوی را پدید آورد که بیشتر به یک جنگ داخلی شبیه بود (ر. ک. به: پر حلم ضیابری، ۱۳۷۹).

نهایتاً انتخابات در موعد مقرر و با رقابت گروه‌های

انتخاب آنها شده است، از دیگر هدف‌های مقاله‌ی

حاضر به شمار می‌رود.

در خصوص پیشینه و محدوده زمانی پژوهش حاضر بایستی خاطر نشان کرد که پیش از این نگارندگان این سطور در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل بافت سیاسی، اجتماعی و تخصصی نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ ادوار اول تا پنجم» که در بهار ۱۳۹۹ در فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر منتشر گردید، به بررسی دقیق و موشکافانه این موضوع در پنج دوره نخست مجلس شورای اسلامی پرداخته اند؛ لذا در نوشتار پیش رو تلاش می‌شود تا با بررسی بافت سیاسی و اجتماعی نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی ادوار ششم تا دهم، پژوهش فوق‌الذکر را تکمیل و نمایی کلی از وضعیت سیاسی، اجتماعی و تخصصی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند علاوه بر آشنایی با بخش مهمی از نخبگان سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، از یک سو تحولات سیاسی و اجتماعی ادوار ششم تا دهم شورای اسلامی را مورد کند و کاو قرار دهد و از سوی دیگر ارتباط طبقات جامعه ایران با هیأت قانونگذاری را بررسی نماید. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش با ارائه جداول و نمودارها و نمایش روند تغییرات در پنج دوره اخیر مجلس شورای اسلامی در تحلیل بافت سیاسی و اجتماعی مجالس آینده رهگشا است.

۲. بافت سیاسی نمایندگان مجلس شورای اسلامی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای احزاب، تلاش برای کسب قدرت از طریق بدست آوردن کرسی‌های پارلمان و تأثیر بر روند قانون گذاری محسوب می‌شود (دوورژه، ۱۳۵۷: ۲۶). این کارکرد احزاب در دو برهه زمانی پیش از انتخابات و بعد از انتخابات، بیش از پیش نمود می‌یابد.

در ادامه سعی داریم تا با بررسی ادوار ششم تا دهم مجلس شورای اسلامی ضمن پرداختن به انتخابات هر دوره و احزاب فعال در آن، سهم هر یک از این احزاب و جریان‌های سیاسی را در تصاحب کرسی‌های نمایندگی روشن سازیم و به نوع آرایش و ترکیب سیاسی آنها بپردازیم.

۲-۱. دوره ششم مجلس شورای اسلامی
انتخابات ششمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی در دو مرحله، در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۷۸ و ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۹ و با مشارکت مردمی ۹۹ درصدی در مرحله اول) برگزار شد (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۵۵) و جلسه افتتاحیه آن در ۷ خرداد ۱۳۷۹ برپا گردید.

انتخابات این دوره‌ی مجلس کاملاً متأثر از پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم در دوم خرداد ۱۳۷۹ و در فضای گفتمان اصلاحات و فعالیت روزنامه‌های اصلاح طلب و در کشاکش و دعوای سیاسی برآمده از دوم خرداد بود. پس از پیروزی محمد خاتمی در این انتخابات، اصلاح طلبان با هدف تحقق شعارهای دولت او و پیشبرد اهداف خود، حزب مشارکت را بنیان نهادند. این حزب که بایستی آن را به مانند حزب کارگزاران یک حزب دولتی دانست

۱. مقدمه

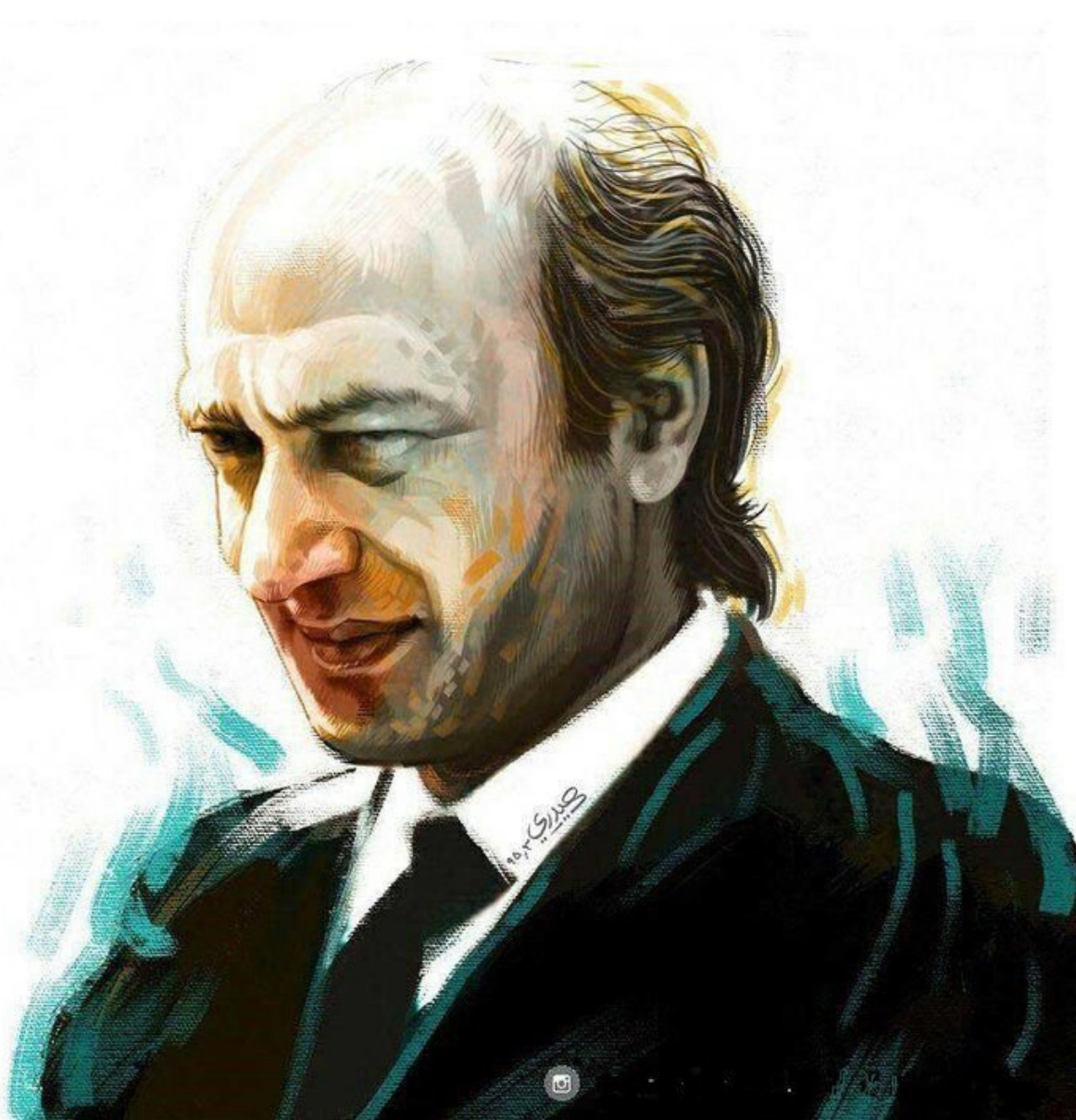
تشکیل مجلس شورای اسلامی یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی به شمار می‌رود که به موجب قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین و اساسی ترین نهادهای سیاسی و یکی از زیباترین جلوه‌های مردم سالاری دینی است. چنین نهادی مرهون اندیشه‌های سیاسی و والای حضرت امام خمینی(س) است که شاکله‌ی نظام سیاسی شیعه را در عصر غیبت بر مبنای نظریه ولایت فقیه و متکی بر آرای ملت طرح‌ریزی نمود.

علاوه بر نتایج نظری و اندیشه‌ای پیدایش مجلس شورای اسلامی بخصوص از منظر قانونگذاری و میزان اختیارات آن، مجلس صحنه رقابت نیروهای سیاسی و اجتماعی برای ورود به آن از طریق انتخابات و ریل‌گذاری امور کشور از رهگذر وضع قوانین و نظارت بر روند اداره کشور بوده است. این رقابت‌های سیاسی علاوه بر تحرک جریان‌ها سیاسی، ادامه حضور مردم را در صحنه سیاسی و استمرار بعد جمهورییت نظام تضمین نموده است. از همین رو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اهمیت خاصی به مجلس و لزوم استمرار آن داده و انتخابات آن از اول انقلاب تا به امروز در بحرانی‌ترین شرایط کشور و در موعد مقرر برگزار گردیده است.

اولین دوره مجلس شورای اسلامی در خرداد ماه سال ۱۳۵۹ و در شرایط بحرانی کشور افتتاح گردید تا نمایندگان مردم با تصویب قوانین اسلامی و انقلابی در روند تثبیت انقلاب اسلامی گامی اساسی و مؤثر بردارند. پس از آن مجلس، ده دوره قانونگذاری را پشت سر نهاد و طی این مدت، فراز و نشیب‌های بسیاری را در ابعاد مختلف از سر گذرانده است.

اکنون پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شکل گیری ده دوره قانونگذاری، ضرورت پژوهش در خصوص نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به عنوان بخشی از نخبگان سیاسی کشور بیش از پیش احساس می‌شود؛ چرا که نخبگان سیاسی در هر نظام سیاسی یکی از عوامل تأثیرگذار بر روند تحولات می‌باشند و برای رسیدن به درکی درست از وقایع و رخدادها نیازمند شناخت بهتر نخبگانی هستیم که وظیفه قانونگذاری و نظارت امور کشور را برعهده داشته اند. از همین رو در نوشتار پیش رو سعی دارد تا با رویکرد تحلیلی و مقایسه ای و با جمع آوری اطلاعات به شیوهی کتابخانه ای و اسنادی و با استفاده از آمار توصیفی، به تحلیل و بررسی بافت سیاسی و اجتماعی نمایندگان مجلس شورای اسلامی بپردازد و به این پرسش‌های بنیادین پاسخ دهد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی ادوار ششم تا دهم چه آرایش و ترکیب سیاسی و اجتماعی داشته اند؟ و اساساً میان ادوار فوق‌الذکر به لحاظ بافت سیاسی و اجتماعی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی به چشم می‌خورد؟ در همین راستا نخست نگاهی خواهیم داشت به رقابت‌های انتخاباتی احزاب و گروه‌های سیاسی و آرایش و ترکیب سیاسی منتخبان مردم؛ و در گام بعدی وضعیت نمایندگان از لحاظ سن، جنسیت، سابقه‌ی نمایندگی، روحانی و غیر روحانی، سطح تحصیلات و تخصص، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین روند تحول در بافت اجتماعی نمایندگان در خلال دوره‌های مختلف و ویژگی‌های اجتماعی ممتازی که سبب





انقلاب برای رهایی یا اصلاح‌گری؟!

✍ دکتر علی شریعتی

عقب‌ماندگی بیانگر وضعیت یک جامعه نسبت به رشد و پیشرفت جوامع دیگر در زمینه‌های گوناگون می‌باشد و تمام وجوه مناسبات اجتماعی انسان از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ و قوانین را شامل می‌شود. درباره‌ی چیستی عقب‌ماندگی، پاسخ‌ها و تعبیر گوناگونی مطرح شده است.

بی‌قانونی، نبود سازمان‌های مدرن، بی‌سودای فقر، فقدان امکانات، پایین بودن سطح اخلاق در جامعه و وجود استبداد نمونه‌هایی از این موارد با آگاهی از انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمین نسبت به: می‌باشند (علمداری، غرب در دوران معاصر، اندیشمندان مسلمان اعم از شیعه و سنی به روش‌های مختلف به آن واکنش نشان دادند.

در این میان ایران و ترکیه از مهم‌ترین کشورهای اسلامی هستند که سابقه‌ای دیرین در مواجهه با غرب داشته و در دوره‌های مختلف کوشیده‌اند تا الگویی مطلوب از جامعه‌ی اسلامی ارائه دهند و گاهی در رقابت با هم نیز قرار گرفته‌اند. این پژوهش در پی آن است تا آراء دو تن از اندیشمندان معاصر اسلامی، یکی از جامعه‌ی ایران و دیگری از ترکیه را در مورد علل عقب‌ماندگی مسلمانان و راه بازسازی جامعه‌ی اسلامی در دنیای امروز مورد بررسی قرار دهد.

■ چارچوب نظری:

در ارتباط با علت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمین مباحث گوناگونی مطرح شده است و نظریات گوناگونی نیز برای آن ارائه شده است. کاظم علمداری در کتاب چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت یک دسته‌بندی از این نظریات را ارائه کرده است. وی این نظریات را به چهارگروه عمده که هرکدام به گروه‌های جزئی‌تری تقسیم می‌شوند طبقه‌بندی کرده است. گروه اول عوامل خارجی را عامل عقب‌ماندگی مسلمین می‌دانند. گروه دوم بر عامل ذهنی و فرهنگی تاکید می‌کنند. گروه سوم بر عامل اقتصادی و گروه چهارم نیز ارزش‌های اجتماعی را به ارزش‌های اقتصادی پیوند می‌زنند.

موفق‌ی نیز در کتاب جنبش‌های اسلامی معاصر دو تقسیم‌بندی کلی از این واکنش‌ها نشان می‌دهد. در یک دسته‌بندی دیگر، این واکنش‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند:

۱. واکنش‌ها و نهضت‌های سیاسی- نظامی و اجتماعی

۲. واکنش‌ها و نهضت‌های فکری- فرهنگی و اعتقادی

۳. واکنش‌ها و نهضت‌های جامع و کامل
البته نمی‌توان خط مشخصی بین این دسته‌ها کشید و معمولاً نهضت‌های سیاسی - نظامی دارای مایه‌های فکری و اعتقادی نیز بوده‌اند، یا نهضت‌های فکری - فرهنگی به تدریج به جنبش‌های سیاسی - اجتماعی یا نظامی انجامیده‌اند. در واقع این واکنش‌ها تأثیرات متقابلی بر هم داشته‌اند بخصوص نهضت‌های فکری- فرهنگی به سایر موارد سرایت کرده و موجب حرکت‌های گوناگونی شده است، ولی در هر جنبش، معمولاً یک وجه غالب بوده است. موفق‌ی تقسیم‌بندی دیگری نیز ارائه کرده و معتقد است که این دسته‌بندی هدفمندتر و چارچوب مندتر است. در این دسته‌بندی این واکنش‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند.

۱. جریان پیروی از غرب، از غر بگرایی تا غرب زدگی

۲. جریان احیاء و بازسازی تفکر دینی از بنیادگرایی تا رادیکالیسم اسلامی

این تقسیم‌بندی بر اساس بنیادها و راه‌حل‌هایی است که هر یک ارائه می‌دهند. جریان اول بیشتر ریشه در تفکر جدید و اندیشه‌های سیاسی اروپا دارد و جریان دوم ریشه در دین و تفکر دینی. البته اگر این دسته‌بندی را به صورت یک طیف در نظر بگیریم می‌توان یک گروه دیگری را در میانه‌ی آن جای داد. سنت گرایان و غرب گرایان در دو طرف طیف قرار می‌گیرند و نواندیشان دین و اصلاح گرایان در وسط آن. البته خود این گروه‌ها نیز قابل تقسیم‌بندی به دسته‌های متفاوتی می‌باشند.

قابل ذکر است که ما معتقد نیستیم که این دسته بندی غیر قابل تغییرند و مرز مشخصی بین این گروه‌ها وجود دارد، بلکه باید با تسامح این تقسیم‌بندی را پذیرفت.

غرب‌گرایی را باید به عنوان ایستاری مثبت نسبت به نوآوری‌ها و دگرگونی‌ها و به طور کلی نسبت به تمدن غرب در نظر گرفت. در حالی که سنت‌گرایی ایستاری منفی. نسبت به غرب و نوآوری‌های آن دارد.

سنت‌گرایی بیشتر تاریخ‌گرا بوده و از سنت‌ها و گذشته الهام می‌گیرد و عصر طلایی‌را در گذشته جست و جو می‌کند.

میانه‌ی این دو گروه، نوگرایی دینی یا اصلاح گرایان دینی هستند که در اصل مقید به سنت‌ها هستند، اما به نیازها و واقعیت‌ها نگاه معقول‌تری دارند و آمادگی دگرگونی در آنها وجود دارد. این گروه در پی نقد سنت و مدرنیته و تلاش برای تغییر و دگرگونی سنت‌ها متناسب با شرایط زمانی است. آن‌ها هم چنین خواهان سازگاری سنت با جنبه‌های مثبت مدرنیته می‌باشند. در واقع روشنفکری دینی فعالیت نظری و عملی گروهی است که تلاش می‌کنند سنت‌های دینی را با مدرنیته سازگار کنند و دین را همچنان در صحنه نگه دارند. دو اندیشمند مدنظر یعنی شریعتی و گولن را می‌توان در این طیف قرار داد که از این میان آن دو، شریعتی تمایلات چپ‌گرایانه و گولن گرایش لیبرالی دارد.

■ علل عقب‌ماندگی و زوال:

در بررسی آثار گولن و شریعتی در باب علل

عقب‌ماندگی جوامع مسلمان، به موارد گوناگونی برخورد می‌کنیم که تقریباً همه آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دین ارتباط می‌یابند. البته این رابطه از نوع معکوس است، بدان معنی که به باوراندیشمندان یادشده هر چه مسلمانان از اسلام و آموزه‌های اصیل آن فاصله گرفتند به سمت عقب‌ماندگی رانده شدند. آن‌ها زمانی که عوامل سیاسی و اجتماعی عقب‌ماندگی مسلمانان را نیز بیان می‌دارند، این عوامل را به نحوی به رویگردانی از آموزه‌های اسلامی مرتبط می‌سازند. این شیوه بحث گولن و شریعتی را از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان علاقمند به مباحث توسعه در جهان اسلام متمایز می‌سازد و آن‌ها را در قامت‌اندیشمندانی نمایان می‌سازد که اساساً دغدغه دین دارند و با این شاخص به سنجش عقب‌ماندگی یا پیشرفت جوامع اسلامی مبادرت می‌ورزند.

■ دوری از اسلام واقعی:

مهمترین مباحثی که دو اندیشمند درباره عقب‌ماندگی جوامع مسلمان دارند حول محور دین می‌چرخد. گولن معتقد است دلیل عقب‌ماندگی و پریشانی مسلمانان در چند قرن اخیر، دوری از تعلیم اسلام بوده است و تاوان این کوتاهی نیز همین مشکلات و سرگردانی‌هایی بوده است که به آن مبتلا شده‌اند، گولن بی‌ایمانی را آفتی فراگیر در جوامع می‌داند، مشکلی که تمام بشریت به آن مبتلا شده است و علت بسیاری از دردها و مشکلات فرهنگی و اجتماعی در همین امر است. وی می‌گوید دوری از دستورات دینی باعث بیگانگی انسان نسبت به جهان بیرون و خود واقعی وی گشته و این امر انسان‌ها را به پریشانی‌های فراوانی گرفتار کرده است؛ وی این مساله را باخت و زیان بزرگ بشر می‌داند (گولن معتقد است قلبی که خالی از معنویات باشد نمی‌تواند به درستی محیط پیرامون خویش را درک کند و جامعه‌ای که از لحاظ معنویت افول کند به انحطاط کشیده می‌شود. وی معتقد است امروزه به ضروریات دین و دستورات آن بی‌توجهی می‌شود و دین جایگاه واقعی خود را از دست داده است.

همین امر موجب پریشانی افکار و قلب‌ها و بیگانگی از معنویات شده است. گولن معتقد است وقتی ارزش‌های واقعی فراموش و کمرنگ شوند ضارزش‌ها جایگزین خواهند شد و همین یکی از نشانه‌های جامعه‌ی رو به انحطاط است.

شریعتی همین نکته را تحت عنوان دوری از اسلام واقعی یکی از مهمترین عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌داند. وی معتقد است این امر به گونه‌های مختلف نزد مسلمانان اتفاق افتاد و تأثیرات منفی زیادی در جوامع اسلامی بر جای گذاشت. به باور وی، تحریف اسلام اولیه باعث شده است تا این آئین تأثیر و کارکردهای خویش را از دست بدهد).

به بیان شریعتی دین اسلام امروزه به شکلی بیان، شده است که باعث گریزان شدن افراد و بخصوص جوانان از آن می‌شود و مقصر اصلی این امر متولیان دین هستند وی معتقد است احکام و شعائر دین و بسیاری از مسائل ظاهری به صورت گسترده به نام دین به مردم القا شده و مردم مشغول امور کم اهمیت دین شدند و حتی برداشتی از دین در بین مردم رواج یافت که بی‌توجهی به زندگی و دنیا را ترویج کرد.

در ایران دکتر علی شریعتی یکی از تأثیرگذارترین اندیشمندان دینی معاصر شیعه می‌باشد که تأثیر عمیقی در احیای هویت اسلامی بر جای گذاشته است. در ترکیه نیز فتح الله گولن، متفکر معاصر ترک، به ترویج برداشت خاصی از اسلام همت گماشته که تأثیرات زیادی بر جامعه‌ی ترکیه گذاشته است. دولت کنونی حاکم بر ترکیه از نقطه نظر فکری هر چند در سه سال اخیر به دلیل، میراث‌خوار اندیشه اوست. مسائلی که ریشه در سیاست داخلی ترکیه دارند با وی از سر ستیز درآمده است.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که چه همانندی‌ها و ناهمانندی‌هایی میان دیدگاه‌های گولن و شریعتی درباره علل عقب‌ماندگی مسلمانان و راه‌های برون رفت از آن وجود دارد. در ابتدای مقاله، رویکردهای مختلف در زمینه‌ی عقب‌ماندگی مسلمانان، به عنوان چارچوب نظری بحث، بیان می‌شوند و سپس



دنبال صنعت و سرمایه‌داری و آنچه پیشرفت صنعتی و علمی نامیده می‌شود برود، اگر هم به آن دست یابد همواره مصرف کننده خواهد بود. او بین تمدن و تجدد فرق می‌گذارد و می‌گوید که ما متجدد شدیم ولی تمدن نشدیم) وی بیان می‌کند انسان متجدد تنها به تغییر ظواهرش اکتفا کرده است، در صورتی که برای رسیدن به تمدن باید شناخت و آگاهی صورت گیرد و بینش تغییر کند.



شریعتی این تقلیدگرایی را در دوره‌های گذشته نیز جست وجو می‌کند و آن را یونان زدگی و هند زدگی می‌نامد. یونان‌زدگی عبارت است از بکار گرفتن متد ذهنی، درون- گرایانه و کلینگر در تفکرات و روش‌های علمی؛ و هندزدگی نیز شامل احساس عرفانی، صوف یگرایانه و آخرت گرایانه‌ی افراطی است که در آن تفکر و حتی زندگی عینی و دنیوی، پست و محکوم شمرده می‌شود. وی معتقد است این نوع نگاه به علم و زندگی، پویایی را از حیات اجتماعی جهان اسلام گرفته و آن را به رکود کشانیده است.

■ راه برون رفت از عقب‌ماندگی:

گولن و شریعتی به بررسی علل عقب‌ماندگی مسلمانان بسنده نمی‌کنند، بلکه بخش عمده بحث خود را بر راهکارهایی برای برون رفت از آن متمرکز می‌کنند. چنان که خواهیم دید با توجه به نوع آسیب شناسی ایشان از عقبماندگی جوامع اسلامی، در این زمینه نیز هر دواندیشمند به راهکارهایی توجه می‌کنند که وجه دینی قابل توجهی دارند. با این حال، شریعتی به سمت رویکردی انقلابی و چ پگرایانه از دین تمایل دارد، در حالی که گولن رویکردی اصلاحی و لیبرال را دنبال م ی‌کند و به پذیرش مدرنیسم، تساهل و دموکراسی و حتی ناسیونالیسم ترک تمایل دارد.

■ بازگشت به دین:

گولن برای برون رفت از عقب‌ماندگی همه‌ی مسلمین را به ارزش‌های اصیل اسلامی اگر:» دعوت می‌کند تا از طریق آن هویت واقعی خویش را بیابند. وی عنوان می‌کند می‌خواهیم سرگردانی و پریشانی که درچند قرن اخیر در آن گرفتار شده ایم به پایان برسد، باید بکوشیم تا به هویت اصلی و شخصیت واقعیمان در سایه‌ی تربیت حقیقت احمدی بر گردیم و به اسلام پیوندم. گولن راه رهایی از فریب‌ها و نیرنگ‌ها را چنگ زدن به منابع اصیل اسلامی مانند قرآن و سنت می‌داند که درمان کننده تمام دردها می‌باشند. وی معتقد است دین اسلام نظام آسمانی و پویایی است که اعتقاد و عمل به آن باید در ظاهر و باطن و عمل مسلمان نمود پیدا کند، حقوق کارگر در اسلام و مناسبات کارگر و کارفرما بر همین مبنا گفته شده است که مشخصه‌ی جنبش گولن احیای ارزش‌های سنتی به عنوان بخشی از تلاش جامعه‌ی ترکیه برای مدرنیزاسیون است.

شریعتی نیز از ضرورت بازگشت به خویشتن سخن می‌گوید. بازگشتی که وی در نظر دارد، بازگشت به نژاد و ملیت نیست؛ بلکه بازگشت به اسلام، آن هم اسلام اولیه و نخستین است شریعتی می‌گوید باید به اسلام اولیه و ناب بازگردیم و ناخالصی‌های وارد شده در دین را بزداییم. به نظر او، اسلام باید از حالت تکرار

سنت‌های ناآگاهانه، که بزرگ‌ترین عامل انحطاط است به صورت یک اسلام آگاهی بخش مرتقی معترض، و به عنوان یک ایدئولوژی آگاهی دهنده و روشنگر مطرح گردد. شریعتی تلاش می‌کند تا اسلام را در قالب یک ایدئولوژی معرفی کند. به باور وی، اسلام یک مکتب و ایدئولوژی است که حاوی برنامه‌های جامع برای زندگی اجتماعی است. اسلام انسان را به تحرک و پویایی و تلاش و همچنین حرکت به سمت تعالی و کمال فرا می‌خواند و مخالف سکون و رکود و بی‌عدالتی و ستم و استثمار است.

در همین راستا، وی اسلام انقلابی را مطرح می‌کند. وی معتقد است دین مسیر و راهی است که خداوند برای زندگی انسان در نظر گرفته است و به تمام جنبه‌های مادی و معنوی بشر توجه دارد تا از طریق آن به سمت کمال حرکت کند. به همین دلیل با بهره‌مندی از منابع اصیل اسلامی، کارکردهای اجتماعی دین باید احیا شود.

■ حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی:

شریعتی و گولن هر دو معتقدند که مسلمانان باید بی‌تفاوتی و انزوا نسبت به امور جامعه را کنار بگذارند. گولن بیان می‌کند که مسلمانان باید انفعال و انزوا را کنار بگذارند و در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، در راستای خدمت به خلق و خوشنودی خداوند به صورت فعال حضور یابند. او پیروان خود را به ارائه خدمات اجتماعی و تلاش برای تحقق مصالح عمومی فرامی‌خواند. وی می‌گوید:

باید نه بی‌زبان بود، نه بی‌أسلوب. احساسات و افکار خویش را گاهی از طریق پرده تلویزیون، گاهی از یک گوشه‌ی روزنامه، گاهی هم از طریق صفحات اینترنت نشر) « نموده و در هر فرصت بدست آمده و در هر اجتماع باید حقیقت را به زبان بیاورید، دعوت به سفر برای دعا). به نظر او باید از همه‌ی ابزارها و اسلوبهای موجود، به ویژه روش مسالمت آمیز و زبان نرم و گفت و گو، برای شناساندن عقاید خود و جلوگیری از ظلم و بدبیا بهره ببریم. لازم به ذکر است که گولن در عین حال که اسلام را آئینی اجتماعی می‌شمارد، بخش‌اندکی از شریعت را به حوزه حکومت و دولت مربوط می‌داند.

به علاوه، او چندان رغبتی به مشارکت مستقیم در سیاست از خود نشان نمی‌داد و پیروانش را نیز بدان ترغیب نمی‌نمود این بدان معناست که گولن ضرورتاً همه‌ی امور اجتماعی را حوزه‌ی عمل دولت نمی‌شمارد، در عین حال که بر توجه اسلام به جنبه اجتماعی زندگی آدمی تأکید می‌ورزد. شریعتی نیز می‌گوید مذاهب یا آخرت گرایند یا دنیاگرا، ولی اسلام تنها مذهب دو بعدی است که در آن واحد دو جهت دنیاگرایی و آخرت گرایی را در بر دارد تا جامعه را همواره در تعادل نگه دارد. شریعتی دین اسلام را نمونه کامل ادیان الهی می‌داند، دینی که برای تمام جوانب دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی، روحانی و مادی انسان برنامه ارائه می‌دهد. به همین سبب از نظر وی مسئول بودن نسبت به جامعه و افراد آن یک وظیفه و تکلیف است و عمل نکردن به آن نوعی خیانت به جامعه محسوب می‌شود.

■ تعریف نو از برخی مفاهیم

گولن و شریعتی تلاش می‌کنند تا به منظور پیرایش مفاهیم دینی از تحریف، به تفسیر مناسب

از آن مبادرت ورزند. گولن تعاریف متفاوتی از برخی مفاهیم مانند ارشاد، امنیت، جهاد و خدمت ارائه می‌کند. ارشاد در گفتمان او دایره‌ی مفهومی فراخ‌تر و معنایی متفاوت با معنای متداول و سنتی اش دارد. در گفتمان سنتی، ارشاد تنها به معنی هدایت به سمت ارزش‌های دینی و تبلیغ مذهبی است. ولی گولن آموزش هر عملی را ذیل مفهوم ارشاد قرار می‌دهد. فقط تدریس در مدارس مذهبی ارشاد نمی‌باشد. حتی وقتی معلمی در مدرس‌های غیرمذهبی تدریس می‌کند، روح دیگران را نجات می‌بخشد و راه درست را به آنها نشان می‌دهد فعالیت او هم ارشاد تلقی می‌شود نوروزی، معنایی که گولن از جهاد ارائه می‌دهد نیز بسیار وسیع است. او هر نوع اقدام عملی را که در راستای خدمت به خلق باشد جهاد می‌نامد، جهاد ضامن ثبات داخلی و خارجی است). نکته‌ی قابل توجه این است که یکی از مهمترین جنبه‌های جهاد از نظر گولن تلاش اقتصادی است که یک فرد مسلمان در راه خدمت به خلق و اعتلای جامعه‌ی اسلامی انجام می‌دهد. او جهاد مادی و معنوی را مبارزه‌ای مقدس توصیف می‌کند، وظیفه بزرگی که عزت و ذلت مسلمین در گرو موفقیت آن است.

یکی دیگر از مفاهیم اصلی گفتمان گولن مفهوم خدمت است. خدمت یعنی آن که شخص خودش را برای سعادت دیگران وقف کند. از نظر گولن، کار کردن عملی مذهبی است و در توضیح این گفته م یافزاید: هرچه بیشتر تلاش کنیم پول بیشتری برای صرف در راه خدااندوخته می‌شود؛ پس هرچه بیشتر کار کنیم، بیشتر می‌توانیم به اسلام خدمت کنیم در نگاه وی، پایانی برای خدماتی که به منظور ساختن یک جامعه آرام و صلح‌آمیز انجام می‌گیرد وجود ندارد و خدمت کردن به جامعه مهمترین راه جلب رضایت خداوند است.



شریعتی نیز معتقد است بسیاری از مفاهیم در اسلام از معنای واقعی و عمیق خود دور شده‌اند. یکی از آن موارد، امر به معروف و نهی از منکر است. وی معتقد است این عمل به صورت یک رشته نصیحت‌های سطحی و کودکانه در آمده است.

در حالی که امر به معرف و نهی از منکر یعنی رسالت فرد در تعیین سرنوشت جامعه و مکتب اعتقادی خویش. شریعتی با نگاهی جامعه شناسانه، مفهوم شیعی انتظار را نیز به گونه دیگری تفسیر م ی‌کند. وی از دو نوع انتظار منفی و مثبت سخن می‌گوید؛ انتظار منفی وسیله‌ای است برای توجیه وضع موجود. در مقابل، انتظار مثبت و واقعی نفی و نقد وضع موجود است و تلاش برای تحقق وضع مطلوب. وی معتقد است در زمان انتظار نه تنها از انسان سلب مسئولیت نمی‌شود بلکه مسئولیت انسان در قبال سرنوشت خودش و جامعه و انسان‌های دیگر بسیار سنگین و حیاتی است.)

شریعتی تقیه را نیز متفاوت از مفهوم مرسوم آن معنا می‌کند. به نظر وی در تشیع علوی دو نوع تقیه وجود دارد: تقیه‌ی وحدت، و تقیه‌ی مبارزه. تقیه در تشیع صفوی سکوت در برابر پلیدی‌ها و انحراف‌ها برای حفظ کار و زندگی و پرهیز از

دردسر است. در تشیع علوی، تقیه عامل مبارزه و وحدت است، اما در تشیع صفوی، مانع مبارزه و باعث تفرقه. در تشیع علوی، تقیه گاه حرام می‌شود، اما در تشیع صفوی یک اصل اعتقادی و ثابت است.

■ تاکید بر علم و آگاهی و لزوم گروه پیشتاز: گولن معتقد است علم مدرن ابزاری است که به مدد آن و با مطالعه در مخلوقات، درک عقلانی‌تری از خداوند و جهان به دست می‌آوریم. حفظ دین نیز در این عصر با استفاده از علم امکان‌پذیر است. به نظر گولن، علم شکل دهنده رفاه اقتصادی، یکپارچگی اجتماعی و استقلال ملی است، همان پشتوانه‌هایی که ضامن حفظ نظام مدرن و نیز اسلام مدرن خواهد شد.

گولن معتقد است آینده جهان در دست مللی است که علوم را در اختیار داشته باشند. در همین راستا وی مدارس مختلفی را در کشورهای گوناگون تاسیس کرده است که دانش آموختگان آن در عین آگاهی به علوم روز دنیا، پایبندی به اخلاق و ایمان را نیز می‌آموزند.

شریعتی نیز بر اهمیت علم و اولویت اقدامات فرهنگی تاکید می‌کند و در این راستا معتقد است ابتدا باید گروهی از روشنفکران آگاه شکل بگیرد تا به وسیله‌ی آن جامعه اصلاح شود. در واقع شریعتی ابتدا به ساختن فرد و شکل‌گیری گروهی از نخبگان آگاه و هسته‌ای از نیروهای متعهد معتقد است و سپس جامعه‌سازی. او می‌گوید فقط با فردسازی و آماده کردن فضا می‌توانیم زمین هی تحولات بزرگ را در جامعه فراهم کنیم.

شریعتی برای نمونه حرکت پیامبر ص را بیان می‌کند و معتقد است این حرکت ابتدا در مکه در قالب فرد سازی آغاز شد و هسته اولیه‌ای از نیروها شکل گرفت. سپس با فراهم شدن شرایط، پیامبر در مدینه به جامعه سازی مبادرت ورزید. شریعتی معتقد است رسالتی که عالمان در جامعه دارند رسالت پیامبرگونه است و مسئولیت سنگین آگاهی بخشی و هدایت جامعه بر عهده‌ی آن‌هاست. به نظر می‌رسد آنچه شریعتی از علم در نظر دارد عمدتاً مفهوم آگاهی است که می‌تواند در راستای اندیشه‌های انقلابی وی برای تحول بخشیدن در جامعه و تحقق رهایی مفید باشد.

در این مسیر عالمان و روشنفکران نقش مهمی دارند و باید پیشتاز شده و جامعه را نیز با خود همراه کنند. اما علم مورد نظر گولن عام‌تر است و جنبه‌های مختلف دانش را در بر می‌گیرد. گولن به علم به عنوان یکی از مهمترین ابزار پیشرفت و ترقی نظر دارد. او نیز به گروه پیشرو معتقد است. در همین راستاست که وی به آموزش روی آورده و مدارس تاسیس کرده است تا از طریق آن افرادی پرورش یابند که در مسیر تحول در جامعه پیشگام باشند.

■ کسب قدرت

گولن بر قدرتمندی مسلمین و به خصوص قدرت اقتصادی آنها تاکید دارد. وی معتقد است توانایی اقتصادی در صورتی که به درستی از آن استفاده شود یکی از مهم‌ترین عوامل عزت می‌باشد، آیا می‌توانی حسابش را پس بدهی؟). در همین راستا، گولن بر لزوم وجود دولت قدرتمند که بتواند امنیت را فراهم کند نیز تاکید می‌ورزد. وی معتقد است پیشرفت و ترقی در سایه‌ی امنیت امکان‌پذیر است و امنیت نیز با وجود یک دولت قوی و کارآمد امکان‌پذیر خواهد بود؛

اگر مسلمین به‌اندازه‌ی کافی قدرتمند نباشند همیشه باید مطیع و فرمانبردار دیگران بمانند. چنان که پیش‌تر دیدیم، شریعتی نیز معتقد است تمام برنامه‌های اسلام برای زندگی اجتماعی است و یکی از بارزترین مشخصات اسلام اجتماعی بودن آئین و دستورات آن است. وی عنوان می‌کند بزرگ‌ترین خدمتی که اسلام نه تنها به مسلمین بلکه تاریخ بشری کرد این بود که قدرت عشق مذهبی و قدرت معنوی و احساس عرفانی را که در درون انسان‌ها بوده است در راه ساختن جامعه‌ی بشری، استقرار عدالت، کسب قدرت و پیشرفت مادی و معنوی به کار گرفت.

شریعتی عنوان می‌کند که ارزش ایمان به مقدار تأثیری است که بر جنبه‌های مختلف زندگی فرد می‌گذارد. به نظر او، ملاک ایمان در یک جامعه در این نیست که چه تعداد از افراد آن جامعه مذهبی‌اند، بلکه مهم کیفیت تأثیر مذهب بر زندگی افراد و شرایط جامعه است و این که مذهب چقدر در روند حرکت و تحول آن جامعه تأثیر گذاشته است. اشاره شریعتی عمدتاً به قدرت آگاهی بخشی و نیروی انقلابی است، در حالی که قدرت مورد نظر گولن جنبه‌ی عمومی‌تر و متنوع‌تری داشته و وجه مدنی بیشتری دارد.

■ نتیجه‌گیری:

در پاسخ به پرسش مطرح شده در این پژوهش می‌توان گفت که تشخیص شریعتی و گولن از ریشه عقب‌ماندگی در جهان اسلام و حتی راه خروج از آن بسیار مشابه است. بسیاری از مباحثی که آ نها در ارتباط با عقب‌ماندگی و راه برون رفت از آن مطرح می‌کنند به دین اسلام مربوط است. هر دوی آن‌ها دوری از اسلام را عامل انحطاط جوامع اسلامی می‌شمارند. در عین حال، تفاوت‌هایی چشمگیری نیز میان اندیشه‌ی ایشان قابل ملاحظه است. گولن بر صلح، امنیت و آرامش تاکید می‌کند و فراهم کردن این شرایط را برای رسیدن به کمال و خوشبختی جامعه ضروری می‌داند.

گویی او عملاً و تلویحاً وضع موجود در جامعه خویش را می‌پذیرد. تاکید او بر مسالمت جویی و تساهل، از یک سو، و ضرورت قدرتمندی جوامع اسلامی در زمینه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، از دیگر سو، در همین راستا قابل تبیین است.

از سوی دیگر، چنین می‌نماید که شریعتی از وضع موجود سخت ناخرسند است؛ او در اندیشه‌ی دگرگونی‌های ژرف‌تری بوده و مشتاق رهایی بخشی است. بنابراین برای درمان انحطاط موجود، اسلام انقلابی را تجویز می‌کند و آن را در قالب یک ایدئولوژی مطرح می‌نماید.

هر دو اندیشمند به جامعیت اسلام باور دارند و تلاش می‌کنند تا از دین بهره گیرند و به جامعه اسلامی تحرک و پویایی ببخشند. گولن در این مسیر برداشت مدنی و مسالمت جوینانه‌ی را دنبال می‌کند، ولی شریعتی برداشتی انقلابی از دین ارائه می‌دهد. تلاش گولن بیشتر در راستای توسعه و پیشرفت است ولی نظرات شریعتی بیشتر در مسیر رهایی بخشی است. شریعتی روشنفکری است برای دوران انقلاب؛ و گولن اصلاح‌گری است در درون نظم مستقر.



مدیر مسئول و صاحب امتیاز: **مهندس مهدی کیان**
سر دبیر: **مهندس مهدی کیان**
صفحه آرای: **میم گرافیک**
شماره مجوز: **۸۳۵۸۳**
وبسایت نشریه: **www.panahemardom.ir**
نشانی دفتر نشریه: تهران، تهرانپارس، وفادار شرقی،
بین ۱۳۳ و ۱۳۵ شرقی، کوچه ۲۲۲ شرقی، پلاک ۳۱۱
شماره‌های تماس: ۰۹۱۹۳۵۴۶۲۴۸ - ۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳
فکس: ۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳

نشریه **پنام مردم** را در شبکه‌های اجتماعی با ID زیر دنبال کنید:

@panahemardom

صمیمانه منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان هستیم.

خرید نسخه دیجیتال از وبسایت **www.jaaar.com**

کرونا چگونه نظم جهانی را تغییر می‌دهد؟

چین جای آمریکا را می‌گیرد؟

نشریه فارن افرز

ترجمه ندا کهریزی

تلخیص: مجمع فعالان اقتصادی



در سال ۱۹۵۶ یک مداخله سرهم بندی شده در سوئز باعث فروپاشی قدرت انگلیس شد و پایان سلطنت انگلستان را به عنوان یک قدرت جهانی نشان داد. در وضعیت کنونی نیز سیاست‌گذاران آمریکا باید بدانند که اگر ایالات متحده در لحظه اقدام نکند همه‌گیری کروناویروس می‌تواند، تکرار رخداد «سوئز» باشد!

برای همه واضح است که پاسخ اولیه واشنگتن به این بحران سرهم‌بندی شده بود. اقدامات اشتباه از کاخ سفید و وزارت امنیت ملی گرفته تا دیگر مراکز اعتماد در ظرفیت و صلاحیت دولت آمریکا را تضعیف کرده است. اظهارات عمومی ترامپ در کاخ سفید و یا توثیفات وی عمدتاً به سردرگمی منجر شده است. بخش‌های دولتی و خصوصی آمادگی لازم را برای تولید و توزیع ابزارهای لازم آزمایش و پاسخ نشان ندادند و در سطح بین‌المللی همه‌گیری کرونا میل ترامپ را به اینکه واشنگتن غافل‌گیرشده چگونه پاسخ‌های جهانی را رهبری می‌کند؛ تشدید کرده است. موضع آمریکا به عنوان رهبر جهانی در طی هفت دهه گذشته نه تنها از ثروت و قدرت بلکه از مشروعیت ناشی از حاکمیت داخلی آمریکا، تأمین

پس از کشف ویروس در نوامبر ۲۰۱۹ در ووهان چینی‌ها هم سریع آنرا افشا نکردند و حتی پزشکی را که اولین بار آن را گزارش کرده بودند، مجازات کردند. با وخیم‌تر شدن بحران تصور برخی بر این بود که این ویروس حتی می‌تواند رهبری حزب کمونیست چین را تضعیف کند. حادثه‌ای که آن را «چرنوبیل چین» نامیدند.

هرچند زندگی در چین هنوز به حالت عادی برنگشته پکن در تلاش است

تا این نشانه‌های اولیه موفقیت را به روایتی بزرگ برای سایر نقاط جهان مبدل کند امری که موجب می‌شود این کشور به عنوان بازیگر اصلی در بهبود و ریکاوری جهان کنونی در حالی که نشانه‌های عدم مدیریت اولیه خود را از بین می‌برد مبدل شود. رهبر چین می‌داند که تهیه کالاهای جهانی می‌تواند به اعتبار رهبری یک قدرت رو به رشد کمک کند. وی چندین سال گذشته را صرف فشار بر دستگاه سیاست خارجی چین برای اندیشه سخت‌تر در مورد پیشبرد اصلاحات به "حکومت جهانی" کرده و این ویروس فرصتی برای عملی کردن این نظریه ارائه می‌دهد. نمایش کمک‌های مادی از جمله ماسک، دستگاه تنفس و دارو به طور فزاینده در چین را در نظر بگیرید. در آغاز بحران چین مقادیر زیادی از این کالاها را خریداری و تولید کرد و به عنوان کمک دریافت کرد؛ اکنون در موقعیتی است که آن‌ها را به دیگران ببخشد.

در مقابل ایالات متحده نه تنها توانایی ارائه کمک در مناطق بحرانی در جاهای دیگر را ندارد فاقد ظرفیت برای تحقق بسیاری از خواسته‌های خود در شرایط کنونی است. اعتقاد بر این است که انبار ملی استراتژیک ایالات متحده ذخایر محدودی در شرایط بحران کنونی دارد و باید با واردات از چین یا افزایش سریع تولید داخلی کمبود را جبران کند.

در جریان بحران ابولا ۲۰۱۴-۱۵ ایالات متحده ائتلاف ده‌ها کشور برای مقابله با آن راهبردی کرد. دولت ترامپ تاکنون از تلاش‌های مشابه رهبری برای پاسخ به بحران کنونی خودداری کرده و حتی هماهنگی همه جانبه با

در مقابله با این بیماری تشکیل داده است. فقط رهبری قدرتمند می‌تواند مشکلات هماهنگی جهانی در رابطه با محدودیت سفر، اشتراک اطلاعات و گردش کالاها را برطرف کند.

درس‌هایی که کرونا به ما آموخت

موجودات هستی مخلوق او هستند و هر آنچه در خلقت هست، محترم است و باید به قوانین هستی احترام گذاشت. کرونا به ما آموخت که انسان در مقابل عظمت هستی و آفرینش خداوندی باید درس‌های زیادی را بیاموزد و در طی تمام این مراحل، نگاه به خالق را فراموش نکند که اگر عنایت و لطف خداوندی لحظه‌ای از هستی برداشته شود، انسان با تمام کبر و نخوت خود درمانده ای بیش نیست و لذا باید پیوسته دعا کنیم که خداوند ما را آن ده که آن به. کرونا به یادمان آورد که در طی سالیان درازی، منیت انسانها، مرزها و فرهنگ‌های مختلفی را ساخته است و او را به سوی خود برتری‌بینی کاذب سوق داده است. حال آنکه تمامی انسان‌ها سرنوشت مشترکی دارند و زندگی آنها با توجه به توسعه ارتباطات بین‌المللی به همدیگر گره خورده است، لذا وقتی انسان قدرتمند خواهد شد که من خود را فراموش کند و به مای انسانی برسد. دیگری را از خود بداند حیات خود را به سلامت دیگری وابسته؛ دردهای مشترکی هستند که مداوای آنها نیازمند تلاش همه انسان‌هاست.

متحدین نداشته است. در مقابل چین یک کمپین دیپلماتیک محکم از ده‌ها کشور و صدها مقام عموماً از طریق ویدئو کنفرانس برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات در مورد بهداشت و درمان ضروری کرده (کارخانه‌های خارج از چین مجبور کرده که آن‌ها را بسازد و سپس مستقیماً به دولت بفروشد) که ابزار سیاست خارجی دیگری را در قالب تجهیزات پزشکی به آن بخشیده است.

شاید کسی گمان نمی‌کرد که انسان قرن بیست و یکم که تمام هم و غم خود را متوجه پیشرفت‌های علمی شگرف کرده است و به فکر دسترسی به سیارات و کرات دیگر می‌باشد و تور سفر به کره ماه و مریخ را در سر می‌پروراند و حتی به فکر ایجاد سکونتگاه در سایر سیارات است تا مازاد جمعیت زمین را به آن منتقل کند و همچنین درصدد ساخت انسان مصنوعی و غیر بیولوژیکی است، چنین گرفتار و درمانده شود. واقعیت این است که انسان آنقدر مغرور شده بود که خود را و آفریدگار خود را فراموش کرده بود و به جای خداگونه شدن، ادعای خدایی می‌کرد. شعر استاد سخن سعدی که فرموده بود: رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند؛ تعبیری دیگر گونه یافته بود و با ساخت ابزارهایی که قابلیت‌های خلقت به او اجازه می‌دهد، مدعی خلق بود تا اختراع و اکتشاف و در چنین شرایطی حتماً نیازمند یک تلنگر بود. تلنگری که خداوند به وسیله همین طبیعت ابزار شده در دست بشر به انسان داده شد. با موجودی بسیار ریز و نادیدنی تا یادآوری کند که خلقت مالکی دارد فراتر از انسان که همه